



سال نو، فکر نو

ای دگرگون کننده قلب‌ها و چشم‌ها
ای گرداننده و تنظیم کننده روزها و شب‌ها
ای تغییر دهنده حال انسان و طبیعت
حال ما را به بهترین حال دگرگون فرما
چشم‌انتظاری به پایان رسید. انتظار لحظه شیرین
تحویل سال، شنیدن دعای سال تحویل با صدای
پدربزرگ و انتظار دریافت اولین عیدی پس از
تحویل سال به پایان رسید. فصل بهار با تمام
زیبایی‌هایش از گردنه‌های پر برف زمستان عبور
کرد و به ما رسید.

دوست خوب من، عید نوروز مبارک! آرزو
می‌کنم همیشه زندگیت بهاری و پر از خاطرات
زیبا و دوست داشتنی باشد. امیدوارم بوی گل
بدهی. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «هنگامی که
نوروز آمد، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌های
خود را بپوش و با خوش‌بوترین عطرها خود را
معطر ساز.»^۱

از خدا می‌خواهم سال جدید بهترین سال
زندگیت باشد. وقتی سال نو می‌آید، همه چیز نو
می‌شود؛ لباس‌ها، کفش‌ها، طبیعت نیز لباس نو
بر تن می‌کند. صحرا پر از گل و سبزه می‌شود.
جا دارد ما هم مثل طبیعت دگرگون بشویم. ما
در دعای تحویل سال نیز این مسئله را از خدا
می‌خواهیم. بیایم در سال جدید فکرهایمان را نو
کنیم و برنامه‌ریزی مجددی برای روزهای پیش
رو داشته باشیم. با اراده‌ای قوی با گام‌های استوار
به سوی فتح قلعه‌های دانش به پیش برویم.
دوست خوبم پیشنهاد می‌کنم در تعطیلات عید
هر روز یکی دو ساعت درس‌هایت را بخوانی تا
فکرت از فضای درس و مدرسه کاملاً فاصله
نگیرد. یادت باشد اگر به مسافرت رفتی مواظب
خودت باشی به خصوص در جاده هنگام رانندگی
بستن کمربند ایمنی را فراموش نکن، الهی سفر
بی‌خطر باشد. یک کار خوب در سفر، عکاسی و
فیلم‌برداری از لحظات آن سفر است. کار بهتر
ثبت خاطرات سفر در دفترچه خاطراتمان است.
با این کار تو سفر را ماندگار خواهی کرد.

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۴۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دانش‌آموزان دبیرستان (دوره ناول) و راهنمایی
دوره سی و دوم / فروردین ۱۳۹۲ / شماره پانزدهم / ۲۵۶



<p>نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی، ۱۵۸۷۵/۶۵۸۳ تلفن: ۸۸۴۹۰۹۷ نشانی مرکز بررسی آثار: تهران، صندوق پستی، ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷ تلفن: ۸۸۳۰۵۷۷۲ وبگاه: www.roshdmag.ir وبلاگ: www.blog.roshdmag.ir پيام‌نگار: nojavan@roshdmag.ir شمارگان: ۴۵۵۰۰۰ جایب: شرکت افست (سهامی عام)</p>	<p>مدیر مسئول: محمد ناصری سرمدیر: علی اصغر جعفریان شورای کارشناسی: حبیب یوسف زاده، مجید عمیق، علیرضا متولی، محمدعلی قربانی، محمد رضا حشمتی، سید کامال شهابلو، زهرا هاشم‌پور مدیر داخلی: زهره کریمی ویراستار: لیلا چلیلی طراح گرافیک: روح‌الله محمودیان</p>
---	--

دوست من سلام!

۱ بین بهار آمده و عید نوروز از راه رسیده است! طبیعت، لباس نو برتن کرده و زندگی جان تازه‌ای یافته است. آدم‌ها مثل طبیعت، رنگ مهربانی به خود گرفته‌اند. انگار همه چیز و همه کس، خواستنی‌تر شده است.

در اغلب خانه‌ها، سفره هفت‌سین چیده می‌شود. آیا تا به حال از خود پرسیده‌ای چه رمز و رازی در هفت‌سین وجود دارد؟ در کنار قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان و راهنمای زندگی آنان، چرا ایرانی‌ها، سنجد، سیب، سبزه، سمنو، سیر، سرکه و سماق را در سفره هفت‌سین می‌گذارند؟ در این انتخاب‌ها، چه فلسفه‌ای نهفته است؟

سنجد

۱ سنجد که خورده‌ای؟ می‌دانی مقوی قلب است و سرشار از ویتامین‌های آ، ب و کا. سنجد، نماد سنجد عمل کردن و فکر کردن است. کسی که سنجد را در سفره هفت‌سین می‌گذارد، گویی با خودش عهد می‌کند از آغاز سال نو، هر کاری را سنجد انجام بدهد.

سیب

۱ میوه خوشمزه‌ای است، مگر نه؟ سیب، مظهر سلامتی است. که باعث رفع سموم، تقویت دستگاه گوارش، تأمین ویتامین‌ها و املاح لازم بدن می‌شود. سیب در سفره هفت‌سین؛ یعنی اهمیت دادن به سلامتی، و گفته‌اند: عقل سالم در بدن سالم است.

سبزه

۱ نماد خرمی و شادابی و خوش‌اخلاقی است. انسان‌های خوب و مؤمن، مثل خاک هستند؛ نرم و مهربان. مولوی می‌گوید:

از بهاران کی شود سرسبز سنگ
خاک شو تا گل برویی رنگ‌رنگ

آدم‌ها در زندگی یا مثل نخ و سوزن هستند یا مثل قیچی. قیچی همه چیز را از هم جدا می‌کند، ولی نخ و سوزن، همه چیز را به هم وصل می‌کند. دوستی با مردم خوب، چونان نخ طلایی است که قلب آنان را به هم می‌دوزد؛ قلب‌های مهربانی که به خدا نزدیک‌ترند.

روزی کودک مستمندی، محو تماشای یک جفت کفش در مغازه‌ای بود. خانمی آن را خرید و به کودک داد. کودک، چشمانش از شادی برق زد و پرسید: «خانم! شما خدا هستید؟» خانم خندید و گفت: «نه خیر، من یکی از بندگان کوچک خدا هستم.»

راز سفره هفت سین

خاک شو تا گل برویی رنگ‌رنگ



کودک لبخند زد و گفت: «ها، می‌دانستم که با خدا نسبتی دارید!»

سمنو

۱ غذای ایرانی که از جوانه گندم و آرد تهیه می‌شود و شبیه کچی است. سمنو را بیشتر برای نذر یا گذاشتن در سفره هفت‌سین می‌پزند و پختن آن دشوار است. سمنو، نشانه قدرت است؛ غذایی مقوی و پر انرژی و سرشار از ویتامین E و ویتامین‌های دیگر. وجود سمنو در سفره هفت‌سین، بیانگر این





نکته است که باید از قدرت و توانایی‌های جسمی و ذهنی که خداوند در وجود انسان گذاشته است، در مسیر بندگی خدا و رشد جامعه استفاده کرد.

فردوسی زیبا سروده است:

ز نیرو بُود مرد را راستی
ز سُستی، کژی آید و کاستی

سیر ◀ نگهدارنده حافظه و تقویت کننده عضلات قلب است. نماد و نشانه قناعت و مناعت طبع. اگر همه، حقوق و حدود خود را خوب بشناسند و آن را در رفتارشان نشان بدهند، جامعه مطلوب و عادلانه شکل خواهد گرفت. کسی که قانع است، به مادیات جهان گذرا دل نمی‌بندد و همواره با عزت نفس زندگی می‌کند.

صائب تبریزی می‌گوید:

دست نیاز به سوی کسان چون کنی دراز
پُل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

سرکه

◀ متخصصان تغذیه مصرف انواع سرکه، از جمله سرکه انگور قرمز یا سرکه سیب را بسیار مفید می‌دانند. سرکه مضرات چربی مصرف شده را کاهش می‌دهد، از انسداد عروق جلوگیری می‌کند و خاصیت ضد سرطانی دارد. سرکه نماد پذیرش ناملایمت و نشانه رضا و تسلیم است.

سرکه در سفره هفت‌سین می‌گوید اگر زندگی آمیخته با رنج و مشقت است، ولی انسان می‌تواند با اندیشه و اراده‌ای که خدا به او داده است، به همه آن سختی‌ها غلبه کند.

سماق

◀ مصرف سماق همراه کباب برای کاهش مضرات اوře گوشت توصیه می‌شود. سماق، نماد صبر و بردباری و تحمل دیگران است. برای رسیدن به آرزوها، باید با صبر و حوصله مبارزه و تلاش کرد. صبر یکی از عواملی است که شخصیت و روح انسان را بارور می‌کند و نردبانی برای ترقی اوست.

حافظ بزرگ چه زیبا گفته است:

صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر، نوبت ظفر آید.





تهمینه حدادی

۶
نوجوان
۱۳۹۲
عکس: محسن گلشن

پنبه پیاری پارچه پیرا!

آشنایی با رشته نساجی

در مدرسه به ما یاد داده‌اند که پنبه تبدیل به نخ می‌شود و نخ می‌شود پارچه و پارچه می‌شود لباس. اما اینکه یک رشته تحصیلی برای یاد دادن همین‌ها وجود داشته باشد کنجکاوی آدم را تحریک می‌کند.

بعد هم مثلاً بفهمی «محمدرضا ملانوری» و «مهدی همتی» رشته نساجی می‌خوانند و توی کارخانه ریسندگی سرپا می‌ایستند، دیگر آدم نمی‌تواند تحمل کند. بلند می‌شود و تا یزد می‌رود تا آنها را توی مدرسه و سر دستگاه‌ها ببیند و آنها برایش تعریف کنند که هم ریسندگی یاد گرفته‌اند و هم بافندگی. اولش الیاف را تبدیل به نخ کرده‌اند و بعد شال بافته‌اند... شال که از دستگاه بیرون آمده از هیجان نمی‌دانسته‌اند چه کار کنند، اما حالا هی نگاهش می‌کنند و عیب و ایرادهايش را پیدا می‌کنند.

مدرسه‌شان چه شکلی است؟

کلی دستگاه دارد. دستگاه‌هایی که ضایعات الیاف را می‌گیرند. بعد دستگاهی دارند که الیاف را تاب می‌دهد. دستگاه بعدی نخ تولید می‌کند و بعد، وقت بافتن پارچه می‌رسد. آن وقت است که کار جدی می‌شود. خدای من قرار است پارچه تولید شود.

حالا دستگاه‌ها به کمک آنها می‌آیند... آنها نخ‌ها را خیلی با دقت به دستگاه‌ها می‌دهند. طرح پارچه را به آنها می‌دهند و منتظر می‌شوند تا پارچه تولید شود.

طرح‌دار کردن پارچه؟

اینها دیگر راز است. کسانی آنها را می‌دانند که بروند در این رشته تحصیل کنند!

این درس‌ها را می‌خوانید:

- بافندگی
- چاپ
- رنگرزی
- ریسندگی
- الیاف

این ویژگی‌ها را دارید؟

- علاقه
- وضعیت مالی متوسط برای تهیه الیاف و...
- مقاومت در برابر صدای بلند دستگاه‌ها
- دقت در کار
- رعایت همیشگی نکات ایمنی (الیاف با خودشان بیماری‌های تنفسی را به همراه می‌آورند. کسی که وارد کارخانه می‌شود باید همیشه ماسک بزند).

امتحان پایان ترم شما این شکلی است:

مهدی و محمدرضا فعلا تجربه امتحان پایان ترم سال دوم هنرستان را دارند و می‌گویند چون در کارخانه آموزش دیده بودیم ما را بردند سر دستگاه‌ها و از ما خواستند اجزای آنها را تعریف کنیم. برای مثال بگویم هر جای دستگاه خراب شد باید چه کاری انجام بدهیم، اما امسال فکر کنیم از ما بخواهند تا پارچه‌ای را روی میز مربی‌هایمان بگذاریم.

چه کاره می‌شوید؟

شما می‌توانید شغل‌های متعددی انتخاب کنید. می‌توانید مکانیک دستگاه‌های ریسندگی و بافندگی شوید یا مهندس یک کارخانه باشید. می‌توانید خودتان یک کارگاه راه‌اندازی کنید یا حتی می‌توانید طراحی پارچه را به عنوان شغل‌تان انتخاب کنید.

ابزار کار شما اینهاست:

- توی این رشته بیشتر با ماشین‌ها سر و کار دارید.
- کاردینی
- رینگ
- ماسوره
- بوبین
- غلتک‌های کششی
- شیپوری

شب به خیر



حسین امینی پویا

یعنی بی‌قید شدن و هیچ کس نمی‌تواند در یک لحظه هم بی‌قید باشد و هم بترسد.» نباید تصور کرد که با خاموش شدن چراغ‌ها، ترس‌ها نیز خاموش شده، از میان می‌روند.

● اتاق خواب هر چه تاریک‌تر باشد بهتر است. در روشنایی برخی دستگاه‌های بدن فعال مانده و کار می‌کنند، مثل دستگاه ترشح ادرار که به نوعی فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

● رفتن به دست‌شویی قبل از خواب توصیه می‌شود؛ چون ممکن است فرد به‌خاطر نیاز در طول شب از خواب بیدار شود و خوابش مختل شود.

● شام شب در کیفیت خواب مؤثر است، از این‌رو بهتر است شام زودتر خورده شود، حاوی مواد کلسیم‌دار و سبک باشد، بین صرف غذا و خوابیدن حداقل دو ساعت فاصله وجود داشته باشد.

● قبل از خوابیدن بهتر است دندان‌ها مسواک شود. فضای بسته دهان به هنگام خواب در صورتی که آن‌را مسواک نزنه باشیم محیط مناسبی برای فعالیت باکتری‌ها خواهد بود.

● می‌دانیم میکروب‌ها برای فعالیت به سه عامل: رطوبت، تاریکی و موادغذایی نیازمندند و اینها همه در یک دهان مسواک نزنه وجود دارد.

● در سیره پیامبر(ص) آمده است که ایشان هر روز سه بار مسواک می‌زدند؛ یک بار قبل از خواب، یک بار بعد از بیدار شدن از خواب و یک بار نیز در آستانه بیرون رفتن از منزل برای نماز

صیح. (مکارم الاخلاق، ص ۴۱)

● بهتر است از تشک و روانداز شخصی استفاده شود و هر کس در رختخواب جداگانه‌ای بخوابد.

● نوع تشک و بالش نیز بسیار اهمیت دارد. بالش نباید زیاد بلند باشد؛ زیرا سبب فشار آمدن به ستون فقرات گردنی خواهد شد.

● شب‌ها در صورت امکان هر چه زودتر به بستر رفت و خوابید.

● در تعالیم اسلامی خوابیدن اول شب مستحب و خوابیدن بعد از اذان صبح مکروه شمرده شده است.

● و بالاخره بهتر است هر شب قبل از خواب به محاسبه اعمال خود بپردازیم. امام صادق(ع) در این مورد فرموده است: «وقتی به رختخواب رفتی بنگر در طول روز چه کارهایی کرده‌ای و به یاد آور که تو هم می‌میری و برای تو نیز رستاخیزی هست!»

(بهار، ج ۷۶، ص ۱۹۰)

خواب و استراحت در زندگی انسان و دیگر موجودات از اهمیت فراوانی برخوردار است و به گونه‌های مختلفی وجود دارد. از محدود شدن فعالیت‌ها گرفته تا خواب‌های فصلی و ... برای مثال برگ‌های بعضی درختان مانند گل‌بریشم و افاقیا در شب جمع شده، حالت خواب به خود می‌گیرند یا برخی جانوران مانند خرس و مار در فصل سرما به خواب می‌روند؛ یعنی تنفس‌شان آهسته می‌شود و درجه حرارت بدنشان پایین می‌آید.

در زندگی انسان خواب مسئله مهمی است. انسان یک سوم از زندگی خویش را در خواب به سر می‌برد، که این بخش به شکل عمده‌ای در دو سوم دیگر زندگی مؤثر است؛ یعنی در نشاط روز داشتن روحیه فعال برای کار و تلاش نقش تعیین کننده‌ای دارد چرا که خواب باعث می‌شود جسم به حالت استراحت در آید و انرژی از دست رفته جبران شود.

از سوی دیگر، حیات جسمی و روانی انسان به خواب وابسته است تا جایی که خوب خوابیدن را نشان عمده سلامتی به حساب آورده‌اند. در همایشی در آمریکا برای طرح بهترین سوآلی که یک نماینده بیمه عمر می‌تواند از مشتری

پرسد تا بفهمد که وی مورد مناسبی برای بیمه عمر است (یعنی مشتری عمر طولانی خواهد داشت یا نه؟) بحث‌های زیادی شد و نتیجه‌ای که همه در مورد آن اتفاق نظر داشتند این بود که از مشتری سؤال شود آیا هر شب خوب می‌خوابد؟ به عقیده کارشناسان بیمه اگر پاسخ فرد به این سؤال مثبت باشد باید وی را در گروه افراد با عمر طولانی قرار داد.

این نکته تأییدی است بر نقش مهم خواب و تأثیر مستقیم آن در حفظ سلامت آدمی. از این رو بسیاری از بیماری‌های جسمی نظیر ناراحتی‌های قلبی، گوارشی، پوستی و نیز بسیاری از عارضه‌های عصبی را به طور مستقیم و غیر مستقیم می‌توان به بی‌خوابی یا بدخوابی نسبت داد.

۱ راهنمایی‌های کلی در مورد خوابیدن

انسان مانند لامپ نیست که با اشاره کلیدی خاموش شود. پس باید محیط را برای خوابیدن آماده کرد؛ یعنی سر و صداها را کاهش داد، دغدغه فکری روزانه را کنار گذاشت. از دیدن فیلم‌های ترسناک و خواندن مطالب مهیج و تکان دهنده - به‌خصوص در شب - دوری جست. و در یک کلام باید قبل از خوابیدن افکار خویش را خوابانید.

برگسون فیلسوف فرانسوی چه زیبا گفته است: «خوابیدن

انسان یک سوم از زندگی خویش را در خواب به سر می‌برد



❶ شیوه صحیح خوابیدن

در تعالیم اسلامی دراز کشیدن به پهلو راست و به پشت خوابیدن توصیه شده است.

پزشکان نیز معتقدند اگر می‌خواهید معده در حال استراحت باشد و قلب در بهترین وضع قرار گیرد روی طرف راستتان دراز بکشید و پاهای کمی تا کنید.

در مقابل به سمت چپ بدن دراز کشیدن و

به خصوص به رو خوابیدن مکرره و ناپسند شمرده شده است. تا جایی که امام علی (ع) فرموده است: «کسی به رو نخوابد و اگر کسی به رو خوابید بیدارش کنید.» (وسائل، ج ۴، ص ۱۰۶۹)

❷ معایب خوابیدن روی شکم

- سبب افزایش قوس کمر و گردن به یک طرف می‌شود.
- در این حالت فقط سینه گرم می‌شود، ولی وقتی به پشت بخوابید به دلیل گرم شدن ستون فقرات که محل خروج اعصاب است، همه قسمت‌ها گرم می‌شود.
- امکان دارد در این حالت بیش از دیگران دچار کابوس و رؤیاهای ناراحت کننده شوید.

❸ خواب‌های مکرره و مستحب

در قرآن مجید آمده است: «از نشانه‌های خداوند خوابیدن شماست در شب و روز» (روم: ۲۳) این آیه و آیات مشابه دیگر تأییدی است بر اهمیت خوابیدن در شب و روز. برای داشتن استراحت کامل و مؤثر هم به خواب شب نیاز داریم و هم به خواب روز.

❹ خواب کوتاه نیمروز

خوابیدن کوتاه به هنگام ظهر - قبل از ناهار - را قیلوله می‌گویند. این خواب در متون اسلامی از جایگاه مطلوبی برخوردار بوده و مستحب است؛ زیرا به رشد توانایی عقلی - حافظه - کمک می‌کند. برعکس نخوابیدن در این زمان خاص موجب بروز عارضه ضد آن - فراموشی - می‌گردد.

مشخصات خواب خوب

امام هادی (ع) در حدیثی شرایط خواب خوب را چنین بیان کرده‌اند: «ما اهل بیت موقع خوابیدن چند چیز را رعایت

امام علی (ع) فرموده اند: کسی به رو نخوابد و اگر کسی به رو خوابید بیدارش کنید

می‌کنیم؛

طهارت داشتن (وضو گرفتن)

صورت را به کف دست راست نهادن

تسبیحات فاطمه زهرا (س) خواندن.

صورت را به طرف قبله گرداندن

فاتحه‌الکتاب و آیه‌الکرسی را قرائت کردن و ...

اگر کسی چنین کند بهره خود را از شب گرفته است.»

(سنن‌التی، ص ۱۴۴)

منابع:

- ۱- یادگیری چگونه بهتر بخوابیم، ترجمه ساعد زمان، انتشارات ققنوس
- ۲- زنده باد خواب، زنده باد خواب، ترجمه زهرا شفیعی پورانتشارات جهان اندیشه کودکان
- ۳- اسلام و روان‌شناسی، ترجمه محمود هریشم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- ۴- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۷، کتابفروشی اسلامیة، شهید دکتر رضا پاک نژاد



احمد عربلو
تصویرگر مجید صالحی

پهلوان و فیل

در شماره‌های قبل خواندید که: پهلوان محمد مالانی از بزرگ‌ترین پهلوانان ایرانی در حضور حاکم ادعا کرد که انسان برتر از حیوان است و او می‌تواند بر فیل بزرگی که در میان میدان بود غلبه کند. حاکم فرمان داد که پهلوان باید با فیل کشتی بگیرد. همین اتفاق هم افتاد و در حالی که همه درباریان نگران پهلوان بودند فیل و پهلوان در میانه میدان به هم پیچیدند و حالا ادامه ماجرا:

قسمت دوم



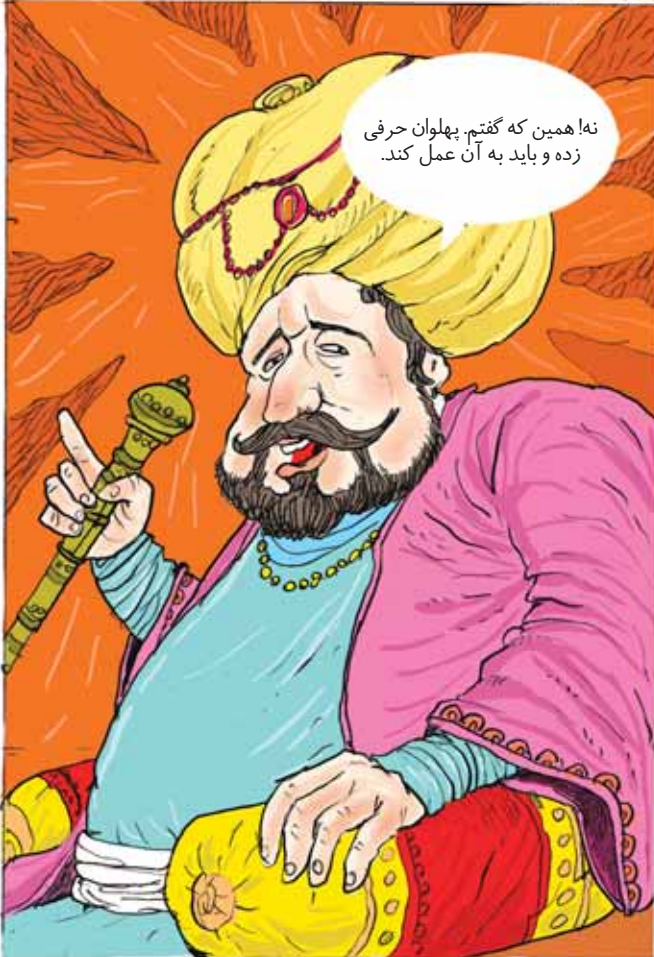
اگر شما اجازه بدهید حاضریم با این حیوان مبارزه کنیم!



حال که چنین می‌گویی، باید حرف خودت را ثابت کنی! مرد را به عمل می‌سنجند پهلوان، نه به حرف.



باید این کار را بکنی. باید حرفت را ثابت کنی.



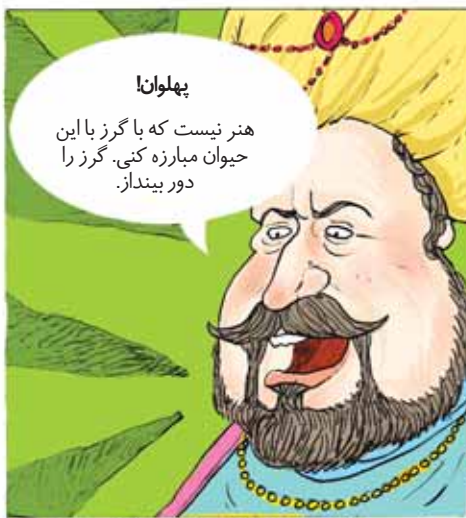
نه! همین که گفتیم پهلوان حرفی زده و باید به آن عمل کند.



درباریان به وحشت افتادند. همه نگران این مبارزه بودند. نماینده پادشاه هند از پادشاه خواهش کرد که جلوی این مبارزه را بگیرد.



قربان این کار خطرناک است. این فیل، پهلوان دربار شما را زیر پاهایش له خواهد کرد.



پهلوان!

هنر نیست که با گرز با این
حیوان مبارزه کنی. گرز را
دور بینداز.



خدایا خودت
رحم کن.

من از این مبارزه
می‌ترسم.



بیا جلو ببینم.



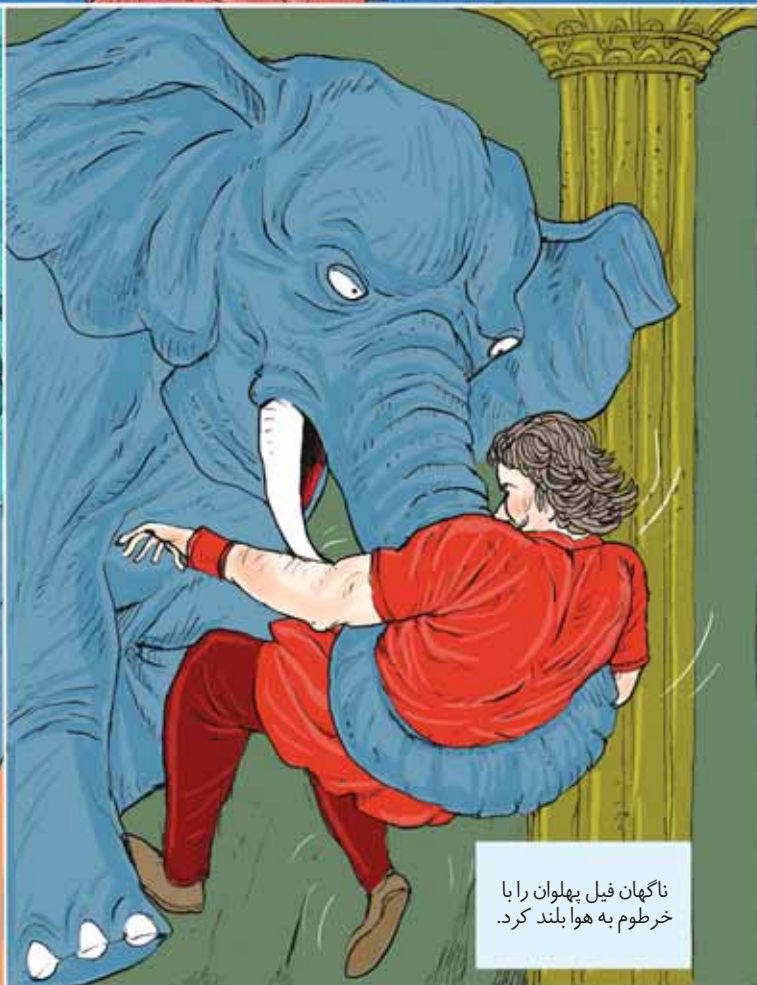
صحنه وحشتناکی بود.
پهلوان با دست خالی به
مبارزه با فیل پرداخت.



پهلوان گرز را به کناری
انداخت.



خدایا خودت
کمکم کن.



ناگهان فیل پهلوان را با
خرطوم به هوا بلند کرد.



ادامه دارد ...



سعید بیابانکی

نوجوان
فروردین ۱۳۹۳
تصویرگر: بهرام ارجمند نیا

کیوسک



به دوستانم زنگ می‌زدم! خیابان ما فقط یک کیوسک داشت که تا خانه ما نیم ساعت راه بود. با اضطراب و دلهره از خانه عمو زدم بیرون. جریان را به مادرم نگفتم. پیش خودم گفتم اصلاً رئیس مخابرات با من کار دارد چرا من بروم آنجا؟ دو دل بودم بالاخره دل را زدم به دریا و گفتم قرص و محکم می‌روم اداره مخابرات و می‌گویم: من آقای «سعید نیازی» هستم آقای رئیس تقاضای ملاقات با بنده را دارند! سر راه هم یک مجله «جوانان امروز» می‌خرم و از آن طرف می‌روم مدرسه. من آن روز نوبت ظهر بودم.*

منشی رئیس مخابرات نگاهی به من انداخت و گفت:

– آقای رئیس با شما کار دارند؟

من گفتم:

– بله خودشان زنگ زده‌اند خانه عمو و گفته‌اند کارشان هم خیلی فوری است.

خانم منشی به طرز خیلی مضحکی به من نگاهی کرد و گفت: اسمت چیه آقا پسر؟

گفتم:

– سعید نیازی دانش آموز سوم راهنمایی مدرسه دانش. شاگرد اول مدرسه هم هستم.

با شنیدن اسم من مثل اینکه خانم منشی را برق گرفته باشد با تعجب گفت:

– پس سعید نیازی تویی؟

گفتم:

– بله، مگه اتفاقی افتاده؟

گفت:

– هیچی چی می‌خواستی بشه. حیثیت اداره مخابرات و آبروی شهر را بردی، همین.

راستش کمی ترسیدم و هول برم داشت. از اینکه کسی هیچ توضیحی به من نمی‌داد بیشتر نگران بودم. خانم منشی گفت:

– بفرمایید داخل. آقای رئیس منتظر شما هستند. با ترس و لرز وارد اتاق رئیس شدم و سلام کردم.

دیدم رئیس یک مجله «جوانان امروز» در دست دارد و دارد ورق می‌زند. خوشحال شدم که فقط من نیستم که مجله می‌خوانم و ایشان هم علاقه‌مند است. رئیس گفت:

– پس سعید نیازی تویی؟

گفتم: بله. چی شده آقای رئیس؟

رئیس گفت: «چی می‌خواستی بشه. این چیه؟» و مجله جوانان را انداخت جلوی من. من هم گفتم:

نزدیک یک سال می‌شد که زن عمو ربابه با مادرم زده بودند به هم. تا قبل از آن هرروز خانه ما پاتوق دوستان مادرم بود. زن‌هایی که جمع می‌شدند و از صبح تا غروب تخمه می‌شکستند و حرف می‌زدند. بعضی وقت‌ها هم یک کوه سبزی می‌ریختند توی ایوان و تا شب مشغول بودند به سبزی پاک کردن. فکر کنم اختلاف زن عمو ربابه و مادرم سر من بود و پسر عموم علی. من تا آن روز شاگرد ممتاز مدرسه بودم. پسر عمو علی که همان پسر زن عمو ربابه باشد درسش تعریفی نداشت. به گمانم همین حسادت زن عمو را برانگیخته بود و حتماً سر یک حرف بی‌خود خاله زنی با مادرم زده بودند به هم.

آن روز تنها نشسته بودم توی خانه و داشتم مجله می‌خواندم. عشق من «جوانان امروز» بود. چقدر دوست داشتم من هم مثل هنرپیشه‌ها و خواننده‌ها یا مثل فوتبالیست‌ها معروف بودم و عکسم را هر هفته می‌زدند روی جلد یا وسط مجله. ولی چه فایده حتی اسمم را هم با آنکه یک‌سال بود نزدیک ۵۸ تا شعر و نامه و داستان برای مجله فرستاده بودم هیچ‌جا چاپ نکرده بودند. حتی در ستون «نامه‌هایتان رسید».

در همین افکار غرق بودم که صدای در آمد. به سمت در دویدم ... در را که باز کردم نزدیک بود از تعجب شاخ در بیاورم. زن عمو ربابه بود. باورم نمی‌شد بعد از یک‌سال آمده باشد خانه ما. سلام کردم. زن عمو بی‌آنکه جواب سلام مرا بدهد گفت:

– عمو کارت داره. یک سر بیا خونه ما.

زن عمو ربابه بی‌خداحافظی راهش را کنشید و رفت. پیش خودم گفتم حتماً دوباره باید بروم با پسر عمو علی کودن ریاضی کار کنم. لباس پوشیدم و رفتم سمت خانه عمو. خانه عمو دو کوچه بالاتر از خانه ما بود. ته یک بن بست که دو طرفش پر بود از درخت‌های چنار. خانه عمو خیلی سرسبز بود. درخت‌های گل رز و محمدی زیادی داشت. کبوترها و مرغ‌ها هم توی حیاط کلی صفا می‌کردند. عمو مرا خیلی دوست داشت. عمو بی‌مقدمه گفت:

– سعید جان، رئیس مخابرات با تو کار داشت؛ چون شما تلفن ندارید زنگ زد اینجا و سراغ تو را گرفت.

گفتم:

– چه کار داشت عمو جان؟

گفت:

– نمی‌دونم، ولی تاکید داشت که حتماً امروز یک سری به او بزنی.

راستش کمی ترسیدم. گفتم من که مزاحم کسی نشده‌ام، اما ما که تلفن نداشتیم و من همیشه از کیوسک نزدیک مدرسه

- مجله جوانان. شماره جدیدش؟

رئیس گفت:

- بله سعیدخان. صفحه ۳۶ رو بخون.

مجله را با عجله برداشتم و ورق زدم تا رسیدم صفحه ۳۶. ستون انتقاد و پیشنهادها. تا چشمم به اسم افتاد کلی ذوق کردم و گفتم:

- بالاخره اسم منو چاپ کردن. آخ جون. حالا همه ایران اسم منو می بینن. بالای ستون نوشته بود:

«خیابان بهار کیوسک ندارد. خیابان بهار در شهر ما با آن که خیابان خیلی بزرگی است و کلی هم شلوغ است و رفت و آمد در آن زیاد است، ولی یک کیوسک تلفن هم ندارد. از شرکت مخابرات تقاضا می شود یک کیوسک در این خیابان بگذارد تا مردم برای یک تلفن زدن این قدر سختی نکنند. سعید نیازی»

آقای رئیس در حالی که کلی عصبانی بود گفت:

- آخه پسره یه الف بچه، تو به عشق اینکه اسمت رو توی مجله چاپ کنند حیثیت بیست سال خدمت صادقانه منو به باد دادی. از صبح امروز که این مطلب چاپ شده از وزیر بگیر تا استاندار و فرماندار با من تماس گرفتن که مردم از دستت راضی نیستند. می خوان منو دادگاهی کنن. آخه عزیزم، اگه خیابان شما به کیوسک نیاز داشت یه نوک پا تشریف می آوردی به من می گفتمی من هم دستور می دادم رسیدگی کنن. نه اینکه توی روزنامه چاپ کنی و حیثیت منو ببری. تازه این مطلب برای شهر ما هم خوب نیست.

من هم که کلی انرژی گرفته بودم گفتم:

- شما بهتره کارتتون رو درست انجام بدین و سر من هم داد نکشید تا مردم از شما راضی باشند.

رئیس که جرئت نداشت به من چیزی بگوید گفت:

- حق با توست پسر! ولی ما که از همه مشکلات شهر با خبر نیستیم. حالا هم برو. من دستور دادم تا پیش از غروب کیوسک نصب بشه. از این به بعد هر امری داشتی مستقیم بیا پیش خودم. من در خدمت گذاری حاضریم.

از دفتر رئیس زدم بیرون. به خانم منشی که داشت چپ چپ به من نگاه می کرد گفتم:

- دماغ سوخته می خوریم!

بلافاصله رفتم سراغ کیوسک روزنامه فروشی آن طرف خیابان که صاحبش تازه داشت روزنامه ها و مجله های جدید را از توی گونی در می آورد. به او گفتم:

- آقا ببخشید چند تا مجله جوانان امروز دارید؟ گفت:

- ۲۵ تا. برای چی می پرسی؟

گفتم: همه شو می خرم!

۱۲۵ تومان دادم به روزنامه فروش و با خوشحالی در حالی که ۲۵ تا مجله «جوانان امروز» دستم بود رفتم به سمت خانه. به همه فامیل یک مجله دادم و گفتم حتما صفحه ۳۶ را بخوانند و اسم مرا ببینند. چند تا هم بردم مدرسه تا به بچه ها نشان بدهم. آن روز حواسم هیچ به درس و کلاس نبود. طرف های عصر وقتی داشتم از مدرسه بر می گشتم دیدم خیابان بهار را پلیس بسته است. یک جرثقیل بزرگ در حال پیاده کردن کیوسک تلفن است. مردم محل دور و بر جرثقیل جمع شده بودند و هر کدام اظهار نظر می کردند. یکی می گفت:

- راحت شدیم خدا پدر رئیس مخابرات رو بیامرزه.

دیگری می گفت:

- نه بابا به خدا اسباب مزاحمت برای خونه های مردم فراهم شده. کاشکی نصب نکنن.

یکی دیگر می گفت:

- چند روز دیگه می شه پاتوق معتادا.

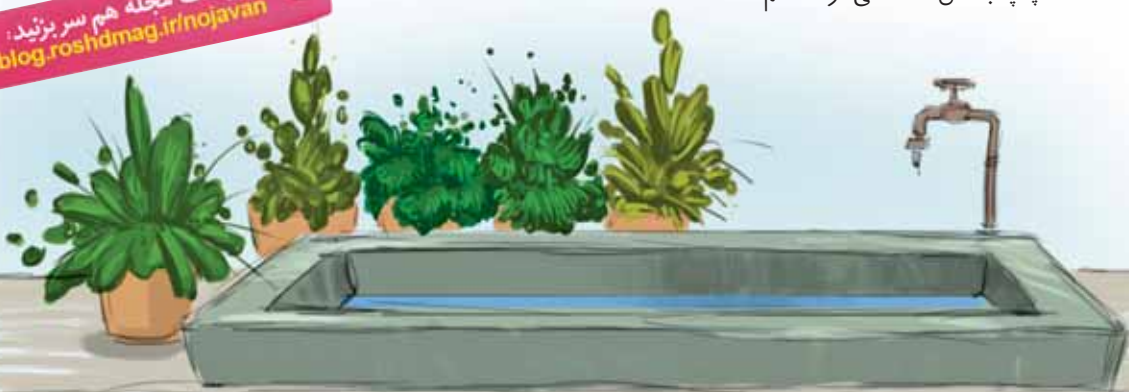
ولی در کل مردم راضی بودن. وسط جمع عمو را دیدم که کلی قیافه گرفته بود و می گفت:

- ده بار نامه نوشتم. پنج بار طومار پر کردم بردم خدمت رئیس تا بالاخره جواب داد. برادر من کارهای اداری که به این راحتی نیست و از دست همه کس بر نمی یاد.

از حرف عمو خنده ام گرفته بود. مجله را باز کردم. صفحه ۳۶ چشمم خورد به این تیتر:

خیابان بهار کیوسک ندارد.

به وبلاگ مجله هم سر بزنید،
weblog.roshdmag.ir/nojavan



در نمادپردازی پرچم پرافتخار کشور عزیزمان ایران کلمه‌الله به عنوان عصاره کلمه توحید و شعار لاله‌الله، چون لاله‌های سرخ‌رنگ به مثابه خون شهیدان والامقام در میان رنگ‌سفید نقش بسته است و اشاره به این حقیقت دارد که جمهوری اسلامی ایران حلقه واسطی است در راه تحقق حکومت جهانی و آرمانی اسلام. همچنین شعار الله‌اکبر به صورت نوار سفیدرنگ در هر یک از رنگ‌های سبز و سرخ یازده بار و در مجموع ۲۲ بار تکرار شده‌است. دفعات و ترتیب این تکرار تمثیلی از تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی در بیست‌ودومین روز از یازدهمین ماه سال است. در حقیقت پرچم جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین اصول نظام اسلامی را در خود نهفته دارد. در پرچم ایران عزیز ما، رنگ سبز در بالای پرچم گویای سرسبزی و رویش و شادابی؛ رنگ سفید نشانه زلالی، پاکی و صلح‌دوستی و رنگ سرخ نماد روحیه عزت و پایداری، ایثار و شهادت شهیدان گران‌قدری است که با ایثار خون و جان خود در حفظ استقلال و آزادی جمهوری اسلامی و هویت ارزش‌های آن تلاش کردند.

یکی از نمادهای مهم هر کشور پرچم آن سرزمین است که به عنوان عضوی وحدت‌آفرین و هویت‌بخش وظیفه معرفی یک سرزمین را در ورای مرزها نیز به عهده دارد.

پرچم نماد اصلی هر قوم و ملت، بیانگر هویت، عقاید، استقلال و حاکمیت مردمی است که در سرزمینی واحد زندگی می‌کنند و نشان یکپارچگی آن ملت است. تأثیر وحدت‌بخش پرچم در طول تاریخ بشر سبب شده است تا گروه‌های پراکنده حول محوری واحد گرد هم آیند و از حقوق و امتیازات مشترک خویش دفاع کنند. در جهان امروز پرچم‌های متعددی با شکل‌ها و رنگ‌های متنوع وجود دارند که هر کدام معنی و مفهوم خاصی دارند. بعضی پرچم‌ها بین‌المللی‌اند و به کشور و گروه خاصی تعلق ندارند؛ مانند پرچم المپیک یا پرچم هلال‌احمر یا صلیب‌سرخ. اما پرچم رسمی هر کشور فقط متعلق به آن کشور است و کشورهای دیگر نمی‌توانند از آن استفاده کنند. گاهی شکل، رنگ، یا ترکیب پرچم کشوری با گذشت زمان یا بر اثر انقلاب تغییر می‌کند. رنگ و شکل و تصاویر منقوش روی پرچم چکیده‌ای از فرهنگ، اعتقادات و آرمان‌های یک جامعه است و در خلاصه‌ترین شکل ممکن عصاره مبانی فکری جامعه را در خود نهفته دارد.

پاینده و جاودان

مجید عمیق



بهار



زیر نظر، بابک نیک‌طلب

فصل لبخند و سلام

ابرها پر می‌کشند
مثل قوهای سپید
خانه گنجشک‌هاست
شاخه‌های خیس بید

بوی صبح و روشنی است
در صدای جویبار
غنچه‌ها و امی شوند
با سرانگشت بهار

بار دیگر نقره‌پوش
قاب چشم پنجره
لحظه‌های ما پر است
از هوای خاطره

می‌رسد با هر نسیم
عطر جنگل‌های دور
می‌چکد از چشم صبح
شبنم نور و بلور

عطر گل، عطر بهشت
روی گل، ماه تمام
فصل باران و نسیم
فصل لبخند و سلام
مریم رزاقی



بهار

از میان کوچه تا عبور می‌کنی
آفتاب
مهربان‌تر از همیشه می‌شود
قلب سنگ‌ها
مثل شیشه می‌شود
از میان کوچه تا عبور می‌کنی
رقص می‌کند نسیم
بال بال می‌زند پرنده روی سیم
ای گل سپید و سرخ!
چیست اسم تو؟
راستی
«بهار» نیست اسم تو.
فاطمه سالاروند

شیشه‌ عطر بهار

از صورت شیشه شسته شد گرد و غبار
گل داد کنار باغچه بوته‌ خار
در بازی باد با لب پنجره‌ها
افتاد و شکست شیشه‌ عطر بهار

شادی دنیای من

کم هست، ولی شادی دنیای من است
با او بودن همیشه رؤیای من است
در کوچه صدای پای مردی پیچید
این سایه که دیر آمده، بابای من است.
پروانه بهزادی آزاد



معصومه صمدی

۱۵

سفر جوان
مهرماه ۱۳۹۷



قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيٌّ قَدِيرٌ.
بگو در زمین سیر کنید و بنگرید خدا چگونه آفریدگان را آفرید آن‌گاه (بدانید که همان) خدا عالم آخرت را نیز ایجاد خواهد کرد. آری، خداوند بر هر کاری تواناست.»

(عنکبوت: ۲۰)

در این آیه خداوند به انسان‌ها توصیه می‌کند با سفر کردن در خلقت زمین و موجوداتش بنگرند که خداوند همان‌طور که این دنیا را خلق کرده (کیف بداء الخلق) جهان آخرت را نیز ایجاد خواهد کرد. (ثم الله ينشئ نشأة الآخرة) در انسان بارها به گردشگری و سفر هدفمند توصیه شده است. چرا که سفر آگاهانه و هدفمند یکی از راه‌های مهم کسب معرفت و تجربه اندوختن است. در سفر با دیدن مناطق مختلف و روبه‌رو شدن با مردم گوناگون، می‌توان آگاهی‌هایی بسیاری به‌دست آورد و تجربه اندوخت. قرآن در آیاتی به دیگر اهداف سفر هم اشاره کرده‌است: دیدن عاقبت تکذیب‌کنندگان آیات خدا (آل عمران: ۱۳۷)

و توجه به سرانجام مجرمان (نمل: ۶۹) پس به یاد داشته باشیم فقط برای خوش گذرانی راهی سفر نشویم، بلکه با سفر بکوشیم

آثار عظمت و رحمت خداوندی را در گستره جهان مشاهده کنیم و با بررسی آثار گذشتگان و سرنوشت مردمان عبرت بگیریم.

برای مثال اگر در سفری تفریحی، یک روز تعطیل را در دامن طبیعت می‌گذرانیم، علاوه بر شادی و تفریح سالم با دقت در زیبایی‌های طبیعی و ژرف‌نگری در آفرینش پدیده‌ها به قدرت و حکمت خداوندی پی ببریم و در برابر عظمت و بزرگی او سر فرود آوریم و شکر گزار این نعمت‌ها باشیم و اگر سفر ما به مناطق و مکان‌های باستانی است با مشاهده بناها، وسایل و اشکال و نقوش باقی‌مانده از گذشتگان ضمن آشنایی با اندیشه‌ها و تفکرات اقوام پیشین دریابیم که در زندگی نباید چون خودکامگان تاریخ برای رسیدن به قدرت و حفظ آن و تأمین هوس‌های ناپایدار دست به هر کاری بزنیم. به‌راستی آن قدرتمندان تاریخ اینک کجایند و چه سرنوشتی داشته‌اند؟ باید از این آمد و شدها درس بگیریم و از غفلت و غرور پرهیز کنیم.

سفرهایی با چنین اهدافی سفری از سر غفلت نیست، سفری معنوی است سفری ارزشمند و از سر خردمندی.





آلما توکل

خبرنگار کوله‌پشتی یادش می‌آید که وقتی به مدرسه می‌رفت او را به خاطر همراه داشتن مجله زرد به دفتر خواستند و با او دعوا کردند. همان موقع خبرنگار کوله‌پشتی گریه سر داد و از قوانین مدرسه دلش شکست و فکر کرد باید از مدرسه متنفر باشد. او در آن موقع کلاس اول‌راهنمایی بود. حالا خبرنگار کوله‌پشتی با بیان این خاطره می‌خواهد بگوید:

- هیچ آدمی بی‌اشکال نیست و هر آدمی ممکن است کارهای غلط انجام بدهد.
- همیشه چیزهایی است که نمی‌دانیم.
- چه معنی دارد

رفیق بد!

به وبلاگ مجله هم سر بزنید.
weblog.roshdmag.ir/nojavan

بچه‌های الان تلفن همراه می‌برند مدرسه، والا زمان ما از این آزادی‌ها نبود.

■ «اتحادیه اروپا طی نشستی استفاده از تلفن همراه در مدرسه‌ها را ممنوع کرد.» خبرنگار کوله‌پشتی وقتی این خبر را خواند، دوان دوان رفت تا به دختر همسایه‌شان که به خاطر بردن تلفن همراه توبیخ شده بود، این خبر را اعلام نماید.

او اصل خبر را هم، که البته معنی نصف کلمه‌های آن را نمی‌فهمید، با خودش برد:

«اتحادیه اروپا به تازگی جلساتی با سازمان دهندگان بهداشتی و صنعتی برگزار کرد

و به آنها توصیه کرد که استفاده از تلفن همراه در مدارس غیر ضروری است و برای همین قصد دارند در قوانین رگولاتوری آینده تغییراتی ایجاد کنند...

به گزارش اتحادیه اروپا، علاوه بر تأثیری که تلفن‌های همراه بر آموزش دارند و باعث حواس پرتی دانش آموزان می‌شوند، این دستگاه‌ها امواج الکترومغناطیسی ایجاد می‌کنند که بر سلامتی افراد به خصوص کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارد.

گفته می‌شود این دستگاه‌ها در طولانی مدت روی محیط، جانوران، گیاهان و سلامتی انسان‌ها اثر نامطلوب دارند. از این رو آنها قصد دارند قوانینی را به تصویب برسانند تا استفاده از همه تلفن‌های همراه و سیستم‌های Wi-Fi را از کلاس درس و مدرسه حذف کنند.»

خبرنگار کوله‌پشتی پس از این ماجرا با دوستان خود تماس گرفت و توانست چند دانش آموز ایرانی را پیدا کند که در اروپا درس می‌خوانند و برای تعطیلات به تهران آمده‌اند. او در صحبتی با آنها به نتایج خیلی شگفت‌انگیزی رسید.

خبرنگار کوله‌پشتی: واقعاً شماها نباید گوشی به مدرسه ببرید؟

لیلا (محصل در آلمان): بله. ما اجازه نداریم گوشی و لپ‌تاپ ببریم.

خبرنگار کوله‌پشتی: پس چرا در فیلم‌هایی که ما می‌بینیم همه گوشی دارند؟

لیلا: خب خودتان می‌گویید، فیلم هستند! **خبرنگار کوله‌پشتی:** خب اگر گوشی ببرید چه می‌شود؟

لیلا: گوشی را از ما می‌گیرند و تا یک ماه پس نمی‌دهند. ضمن اینکه به عنوان جریمه باید تا عصر در مدرسه بمانیم.

سامان هم در هلند زندگی می‌کند.

او هم درباره سخت‌گیری مدرسه‌شان صحبت می‌کند. می‌گوید: «تلفن همراه و هر وسیله الکتریکی‌ای در مدرسه ما ممنوع است و اگر این موارد را رعایت نکنیم حتما تنبیه می‌شویم. به طور کلی استفاده نوجوان‌ها از تلفن همراه اصلاً عادی نیست، اما در آمریکا تلفنی ساخته‌اند که کودکان بتوانند فقط با پدر و مادر خود در ارتباط باشند. ما اگر گوشی هم داشته باشیم استفاده از آن در مدرسه غیر مجاز است.»

■ خبرنگار کوله‌پشتی معتقد است تلفن همراه خیلی چیز باحالی است و همیشه فکر می‌کرده در اینجا بزرگ‌ترها زورگو بوده‌اند، اما حالا که رفته و کلی تحقیق کرده، فهمیده است تلفن همراه واقعاً چه صدمه‌هایی به بار می‌آورد کمی آرام شده است. طی تحقیقات او تلفن‌های همراه این مضرات را دارند:

■ تحقیقات بعضی دانشمندان نشان داده که ارتباط احتمالی در مورد استفاده از تلفن همراه و ابتلا به برخی سرطان‌های مغز وجود دارد.

■ افرادی که از این وسیله استفاده می‌کنند در بسیاری اوقات به علت دریافت پیامک در انتهای شب بد خواب می‌شوند. خیلی از اوقات برای

پاسخ‌دادن به این پیامک‌ها لازم است که ذهن هوشیار شود و همین امر موجب اختلال خواب می‌شود. همین بد خوابی و بی‌خوابی در عملکرد روزانه آنها تأثیر گذار خواهد بود.

■ از آنجا که گوشی‌های تلفن همراه قابلیت دارا بودن بازی‌های مختلف را دارند، افراد مدت زمان زیادی را سرگرم بازی می‌شوند و از دیگر کارهای ضروری‌شان باز می‌مانند.

■ استفاده از تلفن همراه بر روی خلایق و شکوفایی

ذهن و اندیشه تأثیر منفی می‌گذارد.

■ حالا خبرنگار

کوله‌پشتی می‌خواهد یک چیزی بگوید. اینکه همیشه سخت‌گیری‌ها از روی بدجنسی نیست. او فکر می‌کند اگر خودش هم روزی نوجوانی داشته باشد به او سخت‌گیری می‌کند. اصلاً هم این حرف‌ها آموزشی تربیتی نیست و او نمی‌خواهد کسی را نصیحت کند. او فقط جدیدترین اطلاعات خود را در اختیار شما قرار داد. آخر یکی از وظیفه‌های خبرنگارها این است که چیزهایی را که می‌دانند در اختیار بقیه قرار دهند. توقع نداشتید که این کار را نکنند؟ حالا هم ضمن اینکه این مسئله را جدی می‌گیرید برای اینکه هیچ بزرگ‌تری این گزارش را نبیند و نگوید دیدی گفتم! این مجله را فایم کنید.

با تشکر، خبرنگار کوله‌پشتی

استفاده از تلفن همراه بر روی خلایق و شکوفایی ذهن و اندیشه تأثیر منفی می‌گذارد



تلسکوپ فضایی هابل

یکی از معروف‌ترین تصاویر تلسکوپ فضایی هابل، با نام «ستون‌های آفرینش» این تصویر قسمتی از سحابی عقاب را نشان می‌دهد.



تلسکوپ

تلسکوپ‌هایی که جوگیر نمی‌شوند! تا به حال از داخل آب استخر، به نور چراغ نگاه کردی؟ تلاطم آب باعث می‌شود، نتوانی نور را شفاف ببینی. وقتی ما از داخل جو زمین به ستاره‌ها نگاه می‌کنیم، دقیقاً با همین مشکل روبه‌رو هستیم. جو زمین مانند آب استخر، متلاطم است. به همین خاطر ما ستاره‌ها را چشمک‌زن احساس می‌کنیم. برای حذف این مشکل باید تلسکوپ را خارج از جو زمین قرار دهیم. «تلسکوپ فضایی هابل» از ۲۳ سال پیش این مسئولیت را به عهده دارد و تاکنون عکس‌های شگفت‌انگیزی از آسمان تهیه کرده است.

خرید تلسکوپ؟!

آیا کسی که به نجوم علاقه‌مند است و می‌خواهد فعالیت‌های نجومی را شروع کند، در ابتدای کار نیازمند تلسکوپ است؟ خیلی‌ها به همین دلیل، تصور می‌کنند نجوم یک علم پرهزینه است، اما راستش داشتن تلسکوپ برای

آنها با تحلیل این تصاویر، اطلاعات دقیقی درباره جهان هستی پیدا می‌کنند.

چه تلسکوپي بهتر است؟

«تصویر را چند برابر می‌کند؟» این سؤال است که اغلب مردم، وقتی یک تلسکوپ می‌بینند، می‌پرسند. اما این، سؤال خوبی برای فهمیدن قدرت یک تلسکوپ نیست. هر تلسکوپي با داشتن عدسی چشمی مناسب، می‌تواند تصویر را هرچقدر بخواهیم، بزرگ کند، اما بزرگ کردن تصویر بدون افزایش روشنایی و شفافیت بی‌فایده است. بنابراین بهتر است به این دو قابلیت تلسکوپ بیشتر توجه کنیم:

- ۱) افزایش روشنایی
 - ۲) افزایش شفافیت (قدرت تفکیک)
- این دو قابلیت وابسته به قطر دهانه

تلسکوپ‌ها کمک بزرگی به پیشرفت علم نجوم کرده‌اند. امروزه بسیاری از پژوهش‌گران نجوم، در رصدخانه‌ها به دنبال رصدهای دقیق و تهیه تصاویر بهتر از آسمان هستند.

تصویری از کهکشان گرداب



نقاشی از کهکشان گرداب که ۱۵۰ سال پیش کشیده شده است.

پانزده سال پیش، طرح ساختن یک رصدخانه ملی در ایران آغاز شد. بعد از تحقیقات مفصل، مسئولان ساخت رصدخانه ملی، سرانجام قله «گرگش» در نزدیکی قمصر کاشان را برای احداث این رصدخانه انتخاب کردند. هم‌اکنون این رصدخانه در حال آماده‌سازی است و قرار است از دو سال دیگر نخستین نورگیری‌های آن انجام شود. این تلسکوپ در حدود سه و نیم متر قطر دارد و قرار است پژوهش‌گران آینده نجوم کشورمان در آن فعالیت کنند. شاید تو یکی از این پژوهش‌گران باشی.

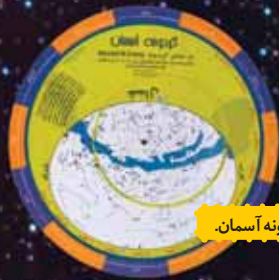
یا پژوهش‌سرایی باشد که بتوانید از تلسکوپ عمومی آن استفاده کنید! مثل:

- * مرکز نجوم و ستاره‌شناسی در تهران
- * انجمن نجوم مشهد
- * مرکز ادیب در اصفهان
- * رصدخانه ابن‌صلاح در همدان
- * و ...

رصدخانه ملی ایران

با اینکه رصدخانه‌های مختلفی در مناطق مختلف ایران وجود دارند، اما این تلسکوپ‌ها قدرت رقابت با قوی‌ترین تلسکوپ‌های جهان را ندارند. به همین دلیل از حوالی

شروع فعالیت نجومی اصلاً ضروری نیست. کسی که هنوز صورت‌های فلکی آسمان را نمی‌شناسد و با مقدمات علم نجوم آشنایی ندارد، تلسکوپ به دردش نمی‌خورد. برای همین خیالتان راحت باشد برای شروع، اول باید با مطالعه کتاب‌های نجوم ساده، اطلاعات عمومی‌تان را در زمینه نجوم زیاد کنید. سپس با داشتن نقشه ماهانه آسمان یا گردونه آسمان، صورت‌های فلکی را با چشم تشخیص دهید. بعد از این مراحل است که تلسکوپ می‌تواند به کارتان بیاید. تازه شاید در شهرتان رصدخانه



گردونه آسمان.



ماکتی از رصدخانه ملی ایران.

تلسکوپ بزرگ جزایر قناری، با قطر دهانه ده متر، یکی از بزرگ‌ترین تلسکوپ‌های جهان است.





بهزاد سالاری

مواد معدنی
در واکنش‌های تولید انرژی و
واکنش‌های شیمیایی پیوسته بدن
به عنوان کواثریم عمل کرده، باعث
تسهیل این واکنش‌ها می‌شوند

مس در سوخت و ساز آهن
و کمک به

مس



زرده تخم مرغ



روی

تقویت
سیستم
دفاعی
بدن



جگر

سلیمن

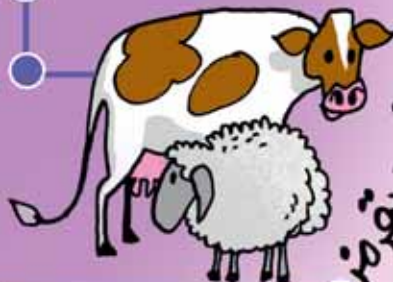
جلگیری
از
آسیب دیدگی
عضله قلب

مواد معدنی
سدیم
Na

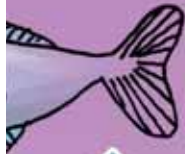


آهن

خون سازی



گوشت قرمز



فلوراید



کالین

نقش مس در
تولید سلول‌ها

تحریک رشد استخوان

کمک به کنترل
میزان قند خون

کروم



تقویت
عضلات

منیزیم



مهم در تعادل
مایعات بدن

سدیم



شده مغز

کمک به کنترل فشار خون

پتاسیم



کمک به عملکرد
طبیعی سلولها

فسفر



کلسیم
Ca

لازم برای بدن

پد

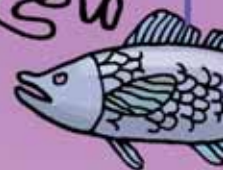
رشد و تنظیم اعصاب

حبوبات

مولیدین



ماهیها



عنصر کلیدی در
ساخته شدن
برخی از آنزیمها

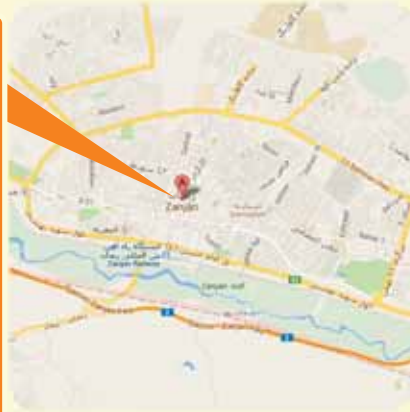
استحکام دندانها
و
استخوان

کلسیم





زنجان



زنجان، شهری است زیبا و تاریخی که در شمال غرب و در فلات مرکزی ایران و دره زنجان جای قرار گرفته است و از شهرهای بزرگ آذری زبان کشور پهناورمان نیز محسوب می‌شود. زنجان از گذشته‌های دور و به علت قرار گرفتن بر سر راه تجاری جاده‌ری آذربایجان همیشه دارای اهمیت بوده. تاریخ اولین بنا در این شهر به دوره اردشیر بابکان (ساسانیان) باز می‌گردد که در آن زمان به آن شهین (شهر منسوب به شاه) می‌گفتند، اما در طی قرن‌ها به زنگان و سپس به زنجان تغییر نام داده است. در قرن چهارم و پنجم هجری زنجان به علت داشتن چراگاه‌های وسیع مورد توجه اقوام و قبایل ترک قرار گرفت و در آنجا ساکن شدند. اما در حمله مغول‌ها شهر و آبادی‌های اطراف آن ویران شد. اما بعدها ایلخانان مغول به خصوص سلطان محمد خدابنده توجه زیادی به توسعه این شهر داشتند.

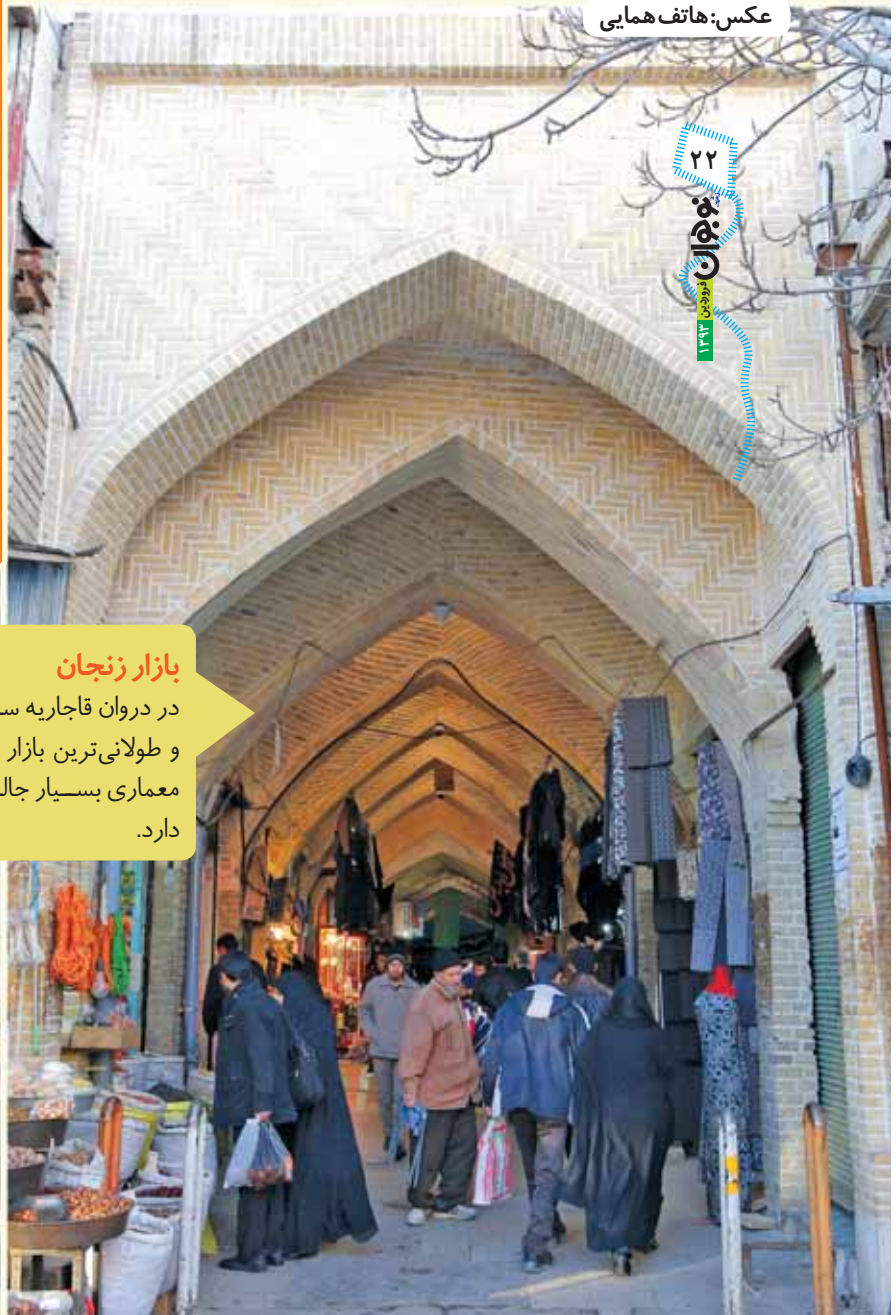
زنجان آب‌وهوای سرد و کوهستانی دارد و رود قزل‌اوزن (از شاخه‌های مهم سفیدرود) از رودهای مهم زنجان است. از هنر دستی مردمان این دیار می‌توان به چاقوسازی، ملیله کاری (اصلی‌ترین هنر زنجان) و ورشوسازی اشاره کرد.

شهاب‌الدین سهروردی (فیلسوف و صاحب مکتب اشراق)، آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی (از مراجع کنونی شیعه) از مشاهیر نامی زنجان هستند.

از آیین‌های مذهبی مردم زنجان که هر ساله در ماه محرم و به خصوص روز تاسوعا و عاشورا برگزار می‌شود تجمع چند صد هزار نفری مردم در حسینیه اعظم این شهر است طوری که علاوه بر زنجان‌ها از شهرهای داخلی و خارجی برای شرکت در این حرکت عظیم به زنجان می‌آیند تا خود را در دریای عزاداران ابا عبدالله حسین (ع) غرق کنند. این تجمع به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع عزاداران حسینی در جهان معروف است.

زهرة کریمی

عکس: هاتف همایی



۲۲

فرمان

بازار زنجان

در دروان قاجاریه ساخته شده و طولانی‌ترین بازار ایران است معماری بسیار جالب و دیدنی دارد.





کاروانسرای سنگی

مربوط به دوره صفویه است و چون از سنگ در ساخت آن استفاده شده به کاروانسرای سنگی معروف است. از تعداد زیادی حجره با سقف‌های هلالی شکل ساخته شده و تنها کاروانسرای باقی‌مانده در زنجان است و اکنون به صورت رستوران سنتی استفاده می‌شود.



رختشوی خانه

در مرکز بافت قدیم شهر بوده و مربوط به اواخر دوره قاجاریه است، که مردم به طور شبانه‌روزی لباس و رخت خود را در آن محل رایگان می‌شستند. هدف از ساخت این مکان تأمین امنیت و آسایش برای زنان در یک مکان سرپوشیده بوده است. اما در حال حاضر به موزه مردم‌شناسی زنجان تبدیل شده که در آنجا انواع لباس‌های محلی و زیورآلات زنان در معرض دید بازدیدکنندگان است.



موزه ذوالفقاری‌ها

قدمت بنا به دوره قاجاریه برمی‌گردد. بنای موزه خانه‌ای متعلق به خاندان ذوالفقاری است که از بزرگان زنجان بوده‌اند، اما در حال حاضر به موزه باستان‌شناسی تبدیل شده است. چند سال پیش در معدن نمک در نزدیکی زنجان شش جسد کشف کردند که چون در داخل نمک بودند تقریباً سالم بودند و به مردان نمکی مشهور شدند. طبق نظر باستان‌شناسان این اجساد مربوط به مردانی در دوره هخامنشیان یا ساسانیان بوده که حین کار کردن بر اثر سقوط سنگ و ریزش خاک جانشان را از دست داده‌اند. یکی از این مردان نمکی در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود و مابقی در موزه ذوالفقاری‌ها در زنجان. دیدن مردان نمکی خالی از لطف نیست.





عادل اشكوس

القسط الآخر

أول عملية جراحية

المريض: «يا دكتور، أنا خائف جداً.»

الطبيب: «لماذا أنت خائف؟»

المريض: «لأنه هذا أول مرة في حياتي أعمل عملية جراحية.»
الطبيب: «لاتقلق. أنا مثلك أيضاً. هذا أول عملية جراحية أعملها.»



القسط الآخر

قالت السيدة لصاحب الدكان: «جئت لأعطي آخر قسطٍ

لشمن عربة طفلي.»

قال صاحب الدكان: «كيف حال ابنك؟»

فقالت المرأة: «إنه بخير؛ عرسه في الأسبوع القادم.»

تناول الفاكهة بقشرها

قال الطبيب للمريض: «عليك بتناول الفاكهة بقشرها؛ لأنها هكذا

تكون أكثر فائدة.»

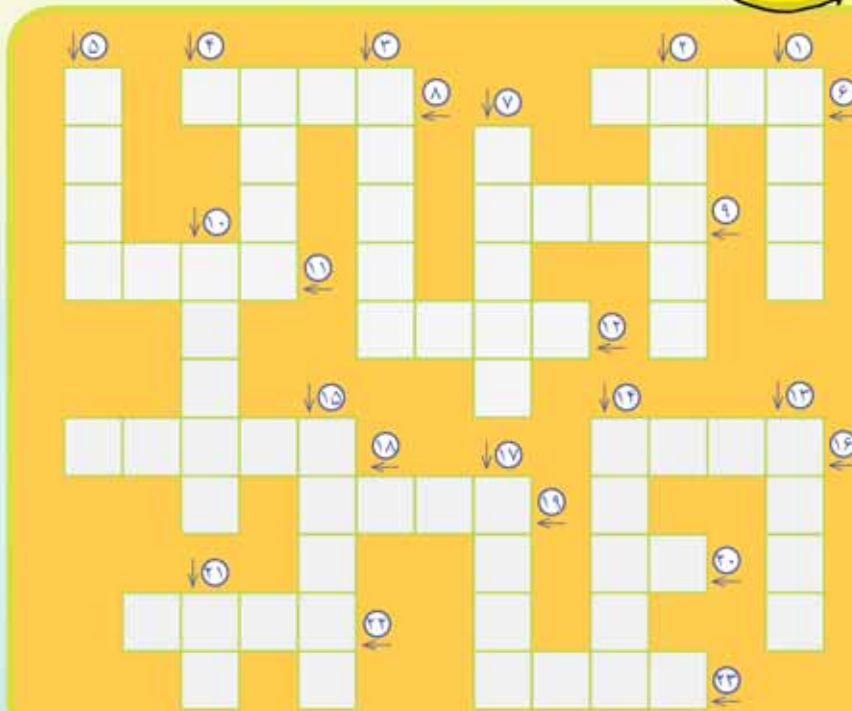
فقال المريض: «على عيني يا دكتور؛ سأفعل هذا.»

قال الطبيب: «و الآن قل لي أي فاكهة تحب؟»

قال المريض: «الموز و الجوز و الحبيب و الأناناس.»



٢٤
نومران
تصوير: سام سلماسي



- | | |
|-------------|-------------|
| ١. سياه | ١٢. فروشنده |
| ٢. كتابخانه | ١٣. كوتاه |
| ٣. هفته | ١٤. چرا |
| ٤. چپ | ١٥. باغ |
| ٥. خيابان | ١٦. كم |
| ٦. سرخ | ١٧. ستون |
| ٧. زندگان | ١٨. كيف |
| ٨. سفيد | ١٩. بندگان |
| ٩. سيب | ٢٠. نه |
| ١٠. شروع | ٢١. دست |
| ١١. بهار | ٢٢. روستا |
| | ٢٣. پدر |

Transportation



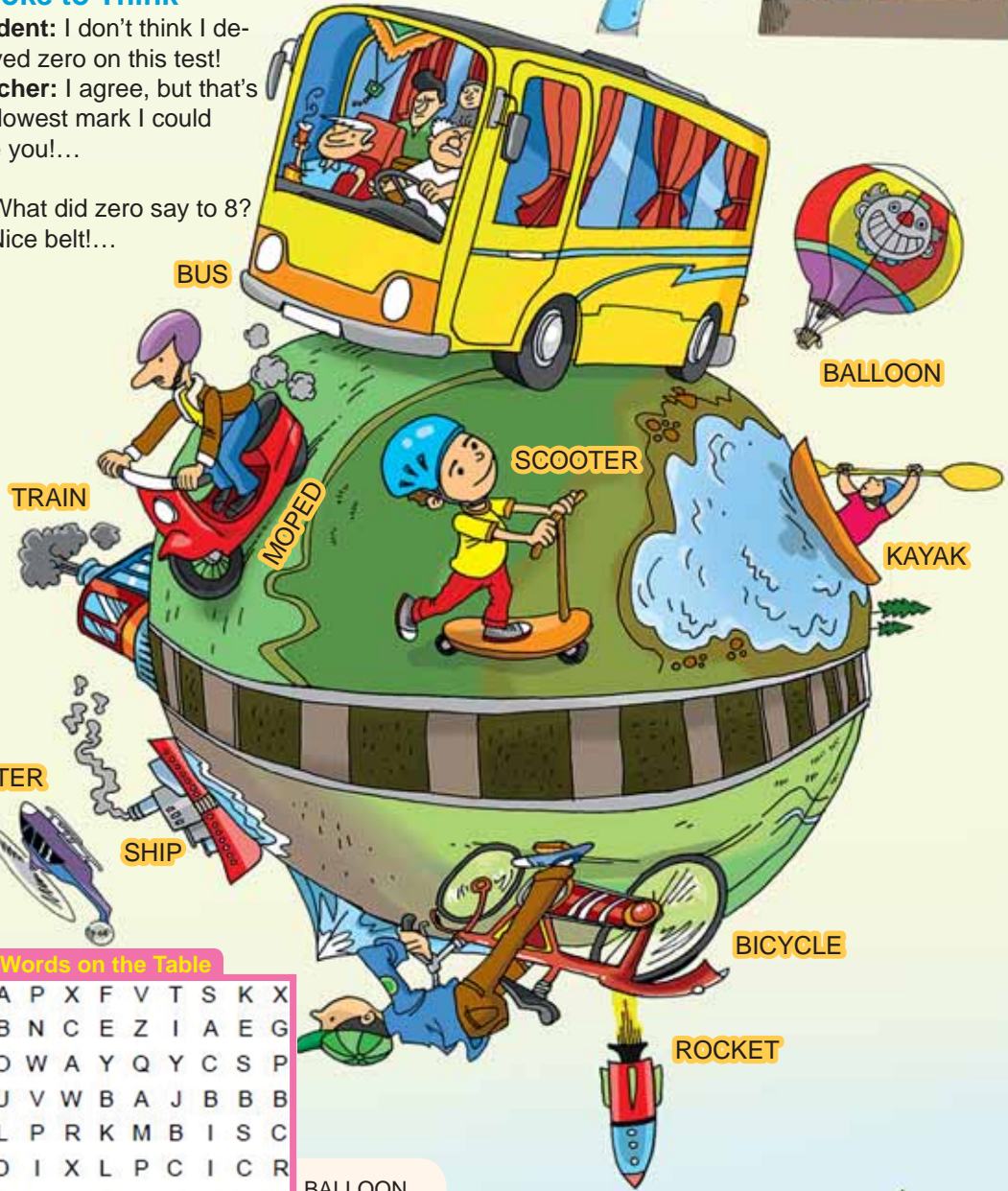
A Joke to Think

Student: I don't think I deserved zero on this test!

Teacher: I agree, but that's the lowest mark I could give you!...

Q. What did zero say to 8?

A. Nice belt!...



Find These Words on the Table

B	U	S	R	Q	I	A	P	X	F	V	T	S	K	X
H	T	E	G	R	F	B	N	C	E	Z	I	A	E	G
R	C	E	B	H	U	O	W	A	Y	Q	Y	C	S	P
F	G	M	K	B	E	U	V	W	B	A	J	B	B	B
E	Z	Q	B	C	G	L	P	R	K	M	B	I	S	C
V	E	J	X	P	O	D	I	X	L	P	C	I	C	R
R	L	Y	Y	U	O	R	O	C	M	E	B	D	O	G
Y	C	C	W	Z	A	N	N	G	O	Y	Y	L	O	W
E	Y	P	C	B	O	E	R	W	P	P	B	A	T	I
J	C	Y	T	O	H	L	C	M	E	K	T	W	E	Y
J	I	V	L	P	X	D	U	S	D	A	K	E	R	T
Z	B	L	F	K	B	O	J	X	Z	T	P	M	R	L
U	A	J	T	R	A	I	N	K	T	D	X	N	N	K
B	J	B	W	I	Z	H	X	I	M	N	W	A	W	T
A	Y	T	O	I	I	Q	W	H	G	D	T	A	O	B

- BALLOON
- SCOOTER
- ROCKET
- BUS
- MOPED
- TRAIN
- SHIP
- HELICOPTER
- KAYAK
- BICYCLE

A Riddle to Think

What stars wear glasses?

فلم استر؟





محمود پوروهاب

جوجه‌ها

۲۶

نوجوان
تصویرگر: وحید خاتمی

جوجه‌ها ایستادند. هر کس دربارهٔ آنها چیزی می‌گفت. پسرک زُل زده بود به پیامبر و دلش می‌خواست پیامبر با دیدن آنها خوشحال شود. اما پیامبر با دیدن جوجه‌های بی‌پناه ناراحت شد. به پسرک نگاه کرد. انگار با نگاهش به او می‌گفت: «چرا به این جوجه‌ها آزار رساندی؟ چرا آنها را از لانه و مادرشان جدا کردی؟»

پیامبر کنار جوجه‌ها نشست. با مهربانی پره‌های لطیف و قشنگشان را نوازش کرد. جوجه‌ها جیک‌جیک کنان به دست پیامبر نوک می‌زدند. در همین موقع صدای پرنده‌ای در هوا پیچید. یکی فریاد زد: «پرندۀ مادر را ببینید، به خاطر جوجه‌هایش تا کجا دنبال این پسر آمده!» پرنده با بی‌قراری بالای سر جمعیت می‌چرخید. ناگهان از آن بالا به سوی جوجه‌ها آمد. روی لبۀ سبد نشست سبد کج شد. جوجه‌ها از سبد بیرون ریختند. مادر بال‌هایش را به زمین کشید. دورشان چرخید ولی از ترس جمعیت زود به هوا پر زد و بالای سر جمعیت شروع به چرخیدن کرد. پسرک جوجه‌ها را گرفت و توی سبد گذاشت. همه از کار مادر جوجه‌ها تعجب کرده بودند. پیامبر رو به مردم گفت: «این پرنده را می‌بینید؟ می‌بینید چقدر به جوجه‌هایش علاقه‌دارد؟ بدانید که خداوند هزار بار بیشتر از آن به بندگانش علاقه دارد.»

بعد چشم‌هایش را به پسرک دوخت و چیزی گفت.

پسرک به باغ بر می‌گشت، مادر جوجه‌ها بالای سرش در پرواز بود و سر و صدا می‌کرد. پسرک می‌رفت تا جوجه‌ها را به لانه‌شان برگرداند.

بهار بود. نسیم خنکی می‌وزید. پسر نوجوانی از باغی رد می‌شد. ناگهان از بالای درختی، صدای جیک‌جیک چند پرنده را شنید. ایستاد سرش را بلند کرد. خوب گوش داد. صدا درست از بالای سرش می‌آمد.

چشم‌هایش از شادی می‌درخشید. داس کوچک و سبد حصیری‌اش را زمین گذاشت از درخت بالا رفت. در سوراخ بالای درخت، چهار جوجه کوچک را کنار هم دید. با خوشحالی دستش را توی لانه کرد. سروصدای جوجه‌ها بیشتر شد. یکی یکی برداشت و زیر پیراهنش جا داد. جوجه‌ها ورجه و ورجه می‌کردند و به بدنش نوک می‌زدند. قفلکش آمد. خندید. آهسته از درخت پایین آمد. جوجه‌ها را از زیر پیراهنش در آورد و توی سبد گذاشت. کمی تماشایشان کرد. سر و دم چتری سفید و پره‌های خاکستری داشتند. هر چهار تا سرشان را بالا گرفته بودند و پشت سر هم جیک‌جیک می‌کردند. ناگهان صدای پرنده‌ای در آسمان پیچید. پسرک به آسمان نگاه کرد. پرنده‌ای بزرگ، بالای درخت دید. مادر جوجه‌ها بود که از آن بالا نگاهش می‌کرد. پسرک سبدچوبی را برداشت و با خوشحالی حرکت کرد. با خود گفت: «چه جوجه‌های نازی! برایشان لانهٔ چوبی می‌سازم و هر روز به آنها آب و غذا می‌دهم. به بچه‌ها نشان می‌دهم چه پرنده‌های قشنگی دارم.»

وقتی از کوه‌ای رد می‌شد. ناگهان پیامبر(ص) را دید که با دوستانش از مسجد بیرون آمد. با خودش گفت چقدر خوب شد! بهار است این پرنده‌ها را به پیامبر نشان بدهم. اگر خوشش آمد دو تا را به او هدیه می‌دهم.

پسرک با خوشحالی سبد را جلوی پیامبر و یارانش روی زمین گذاشت. همه دور سبد جمع شدند و به تماشای





آثار رسیده شما

زیر نظر علیرضا لبش

زیر ذره بین

ستاره‌ها را در دامنم ردیف می‌کنم
و ماه از حسادت
سقوط می‌کند به درون چاه

پرنیان کعبه‌زاده / اصفهان

چمدان

بابای من دیروز
رفته است به تهران
او با خودش برده
یک کیف و یک چمدان
چمدان او دارد
دو چرخ و یک دسته
او می‌کشد آن را
دنبالش آهسته
دسته آن انگار
فرمان ماشین است
رانندگی با آن
دلچسب و شیرین است
سوار آن هستم
در خواب و رویایم
بدون بنزین است
ماشین بابایم

گلچین

فاطمه بنایی / تهران

آرزوهای من

گاهی به وسعت یک اقیانوس، دست نیافتنی
گاهی به اندازهٔ بال مگس ناچیز، اما باز هم دست نیافتنی
گاهی به زیبایی رویایی که به واقعیت می‌پیوندد
گاهی همانند یک جادهٔ طولانی که پایانی ندارد
آرزوهای من شاید در نگاه کودکی فلسطینی است
که به جای نوشتن انشاء، آرزوهایش را با سنگ
به دور دست‌ها پرتاب می‌کند
آرزوهای من آن قدرها هم دور نیست
گاهی همین جا روی طاقچهٔ اتاق است
و از میان عطر گل محمدی مرا می‌طلبند
تا تک تک آیات مقدسش را بخوانم.

محمد خاقانی‌زاده / تهران

آسمان شب

وقتی که شب می‌رسد، خورشید میره بخوابه
ماهه میاد تو آسمون تا یه کمی بتابه
ستاره‌ها پشت سرش میان تا که کمی جلوه کنن
آسمونو یک کمکی زیبا کنن، روشن کنن
اگه نبود آقا ماهه، یا بچه‌هاش ستاره‌ها
شب‌ها می‌شد خیلی سیاه
آقا ماهه چه زیباست، بدون اون شب‌های این دنیا
سیاست.

مهدیه بدری / کرج

دوست خوبم، مهدیه بدری

تصویر زیبایی از آسمان ساخته‌ای. تصویرسازی در شعر
شبهات‌ها و تفاوت‌هایی با نقاشی دارد. ابزار تصویرسازی
در شعر، کلمه است و با کلمات باید تصاویر زیبا و تازه
خلق کرد. در ادبیات جمله معروفی است که می‌گوید:
«نگو، نشون بده.» در ادبیات دو ابزار به نام‌های توصیف
و تصویر داریم. در توصیف یک حادثه را از آغاز تا پایان
وصف می‌کنیم و توضیح می‌دهیم، اما در تصویرسازی آن
اتفاق را در یک لحظه به مخاطب نشان می‌دهیم و ایجاز یا
گزیده‌گویی را هم رعایت می‌کنیم. سعی کن در کارهایت
بیشتر از تصویرسازی استفاده کنی. منتظر نوشته‌های خوب
هستم

به وبلاگ مجله هم سر بزنید
weblog.roshdmag.ir/nojavan

۲۸

نوجوان
شهرت
۱۳۹۳

نمکدان



خواب در کلاس

معلم در حال درس دادن بود که ناگهان بر سر دانش آموزی فریاد زد و گفت: «تو نمی تونی سر کلاس من بخوابی.» دانش آموز در حالی که چشمان خود را می مالید جواب داد: «درسته آقای معلم، شما خیلی بلند حرف می زنید.»

امیر صادقی / یزد

دفتر باطله

غضنفر دفتر خاطراتش پر شده بود، انداخت دور!!

تلفن یک طرفه

غضنفر دوستش را در خیابان دید و حین احوال پرسی گفت: «حالا ما تلفن نداریم، شما نباید یه زنگ به ما بزنید؟!»

علی اخوان / شیراز



معلم فلسفه

معلم فلسفه یک صندلی گذاشت وسط کلاس و به شاگردانش گفت مقاله ای بنویسید و در آن ثابت کنید که این صندلی وجود ندارد! یکی از شاگردان دو کلمه نوشت و ورقه را گذاشت روی میزش. بعد از اینکه معلم ورقه ها را تصحیح کرد او بهترین نمره را گرفت!

می دانید چه نوشته بود؟ نوشته بود: «کدام صندلی؟!!!!»

حسین نقوی / همدان

رستوران ارزان

غضنفر یک رستوران راه انداخته بود، ولی هر روز ظهر می رفت جای دیگر غذا می خورد.

گفتند چرا همین جا غذا نمی خوری؟ گفت: «آخه بی انصاف خیلی گرون میده!»

زهرا شفیعی / تهران



شهروند خوب

ماشین معلمش را پنجر می کند، نه گچ روی صندلی او می ریزد. اگر هم ریخت لافل نزدیک امتحانات این کار بد را نمی کند.

احترام به قانون

وقتی یک چیزی قانون شد، می شود آش کشک خاله مان که خیلی خوشمزه است و اگر نخوریم خاله مان ناراحت می شود. آش کشک خوب است حتی اگر ما هم بدمان بیاید و به مخترع آن یا لافل کسی که پختنش را به خاله بی سلیقه مان یاد داد لعنت بفرستیم. ما برای اینکه شهروند خوبی باشیم به قانون عمل می کنیم و ساعت نه به بعد آشغالها را در مخزن زباله ها می گذاریم. حالا چند ساعت بعد از نه که مهم نیست! تقلب هم نمی کنیم و آقا اجازه! آن دفعه که شما تقلب از ما گرفتید، ما ننوشته بودیم و بچه ها توی جیبمان انداخته بودند! ما آشغالها را هم روی زمین نمی اندازیم و می گذاریم توی کیفمان تا سطل آشغال پیدا کنیم به خدا!

عمل به وظایف شهروندی

ما باید به وظایفمان عمل کنیم و با اینکه طرف مقابل به وظایفش عمل کرده یا نه، کاری نداشته باشیم؛ برای مثال وقتی دوربین صدا و سیما از ما درباره وضعیت فضای سبز منطقه سؤال کرد، فوری یاد خرابی ها و مشکلات جاهای دیگر محل نیفتیم و حتی اگر فضای سبز هم نداشته باشیم برای حفظ آبرو و کلاس گذاشتن از زحمات شهرداری بسیار تشکر کنیم و بگوییم که ما واقعاً لیاقت این همه چمن را نداریم!

دادن پیشنهادهای سازنده

ما باید همه مان پیشنهاد سازنده داشته باشیم و پیشنهاد سازنده خوب است، ولی با تخریب فرق می کند؛ برای مثال وقتی ما می گوئیم که جلوی خانه مان پارک نداریم و شهرداری باید آنجا پارک بسازد، داریم تخریب می کنیم عین بولدوزرهای شهرداری، اما اگر خودمان باعلی بگوییم و یک پارک نقلی با هزینه خودمان (البته با گرفتن مجوزهای لازم!) بسازیم، شهروند نمونه ایم!

این را گفتیم تا آن کریمی نامرد که دیروز نیامد و دانگ پول رنگ زمین فوتبال مدرسه را نداد و کار هم نکرد، بدانند که کار بدی کرد و مسئولان مدرسه را که با دلسوزی تمام ما را راهنمایی کردند که از کجا رنگ بخریم، تخریب کرد رفت پی کارش!



یک شهروند خوب باید این رفتارها را داشته باشد:

بی آزار

آزار نداشته باشد؛ یعنی اینکه نصف شب بوق ماشینش را نزند تا بابای ما عصبانی شود و با عرق گیر توی کوچه برود و به راننده ناسزا بگوید و راننده بیرون بیاید و بابای ما را یک فصل کتک مفصل بزند و برود! آن وقت بابایمان هم عقده اش را سر ما خالی کند و دو روز مرخصی بگیرد و توی خانه حکومت نظامی شود!

شهروند خوب بی آزار سبیل گربه ها را قیچی نمی کند. از درخت بالا نمی رود، اگر هم رفت لانه کلاغها را خراب نمی کند تا کلاغها عصبانی شوند و چشم آنها را در آورند! نه

ساعت عجیب



سنجاق قفلی

۳۱

نوجوان

تیرموند ۱۳۸۳

تصویر گر: بهرام ارجمند نیا

کیا فکری کرد و گفت: «هی مارمولک. کلک ملک تو کارت نباشه؟!» سیا خنده‌ای کرد و گفت: «من فقط می‌خوام کمکت کنم. البته به گمانم صبح زود بیدار شدن کمی دردناکه. اگه می‌ترسی بی‌خیالش بشیم.»

کیا نیشخند زد: «اینو. انگار با بچه طرفه. منو ترس. من پایه‌ام داش سیا.»

سیاهمان روز تا شب ساعت عجیبش را اختراع کرد و به کیارساند. صبح آن روز کیا صبح اول وقت در مدرسه بود و سر صف صبحگاهی پشت سر سیا مارمولک ایستاده بود. البته با کمی تغییرات. موهایش سیخ سیخی شده بود. زیر چشمش بادمجان سبز شده بود و لکنت زبان گرفته بود.

کیا گفت: «داش سیا. این سیستمت خوب کار کرد. دمت گرم. فقط کمی منو داغون کرد.»

سیا گفت: «خوب داش سیا، سیستم ساعت این‌جوری بود که اگه تو زنگ اول بیدار می‌شدی هیچ کاریت نداشت. اگه به زنگ دوم می‌رسید، آب سرد رو سرت خالی می‌کرد. زنگ سوم شوک الکتریکی بود. زنگ چهارم لگد برقی بود. زنگ پنجم تبر برقی بود. شانس آوردی تو زنگ چهارم بیدار شدی وگرنه...»

کیا عصبانی گفت: «وگرنه چی؟»

سیا با آرامش گفت: «وگرنه هیچ وقت بیدار نمی‌شدی!»

آقای حسابی داشت درس می‌داد که در کلاس به صدا درآمد و بعد کله‌ کیا کار دک پشت در نمایان شد: «آقا اجازه! می‌شه بیایم تو؟» آقای حسابی صحبتش را قطع کرد و گفت: «به به. آقای کیا خان کار دک. دستور می‌دادید صبر می‌کردیم تا شما هم تشریف فرما بشید، بعد درس رو شروع کنیم. بفرما بیرون آقا. این دفعه صدمه که دیر می‌ای. اگه دفعه بعد سر موقع نیومدی، دیگه سر کلاس نیا.»

کیا از خجالت سرخ شد: «پس چی کار کنیم آقا؟»

آقای حسابی که کم کم داشت عصبانی می‌شد، صدایش را بلندتر کرد: «برید همون جایی که تا به حال بودید.» کیا سرش را پایین انداخت: «آقا به خدا تا حالا خواب بودیم. بریم تو خواب ابدی که می‌میریم.»

آقای حسابی که خنده‌اش گرفته بود، گفت: «بیا تو ولی دفعه آخرت باشه.»

بعد از کلاس کیا به سیا گفت: «چی کار کنم داش سیا که خواب نمونم. هر روز می‌خوام صبح زود پاشم پیام مدرسه، ولی خواب می‌مونم.»

سیا گفت: «غصه نخور. من راهش رو بلدم. یه ساعت عجیب برات اختراع می‌کنم که صبح‌های زود بیدارت کنه. فقط این ساعت رو همیشه کوک کن و بذار بالای سرت بخواب.»

کیا گفت: «دمت گرم رفیق. کی این کار رو می‌کنی؟»

سیا فش فشی کرد و گفت: «همین امشب ساعت رو بهت می‌رسونم.»



کارت کشی!

- کاغذ و مقوای رنگی
- چسب مایع
- ماژیک و ...

شروع کردیم و به نتایج جالبی رسیدیم شما هم فکر کنید و ببینید چه حیوانات، گل‌ها و گیاهانی هستند که می‌شود با این وسایل ساخت.

چند توصیه:

قبل از ساخت کاردستی فکر کنید و ببینید چه موجوداتی برای این کار مناسبند و آن موجود را در ذهن خود مجسم کنید

برای بیان خلاقیت نیازی به مواد و ابزار پیچیده نیست! با در دسترس‌ترین و ساده‌ترین مواد هم می‌توان کاردستی‌های زیبا ساخت.

برای شروع کافیسست به تمام چیزهایی که در اطراف شماست یک جور دیگر نگاه کنید مثلاً کش قیطان! به نظر شما با این کش‌های ساده و رنگارنگ چه چیزهایی می‌توان ساخت؟ ما در این شماره با:

■ مقداری کش قیطانی (که می‌توانید از خرازی‌ها تهیه کنید).

۳۲

نقشه
عکس: علی خوش‌جام

به وبلاگ مجله هم سر بزنید:
weblog.roshdmag.ir/nojavan





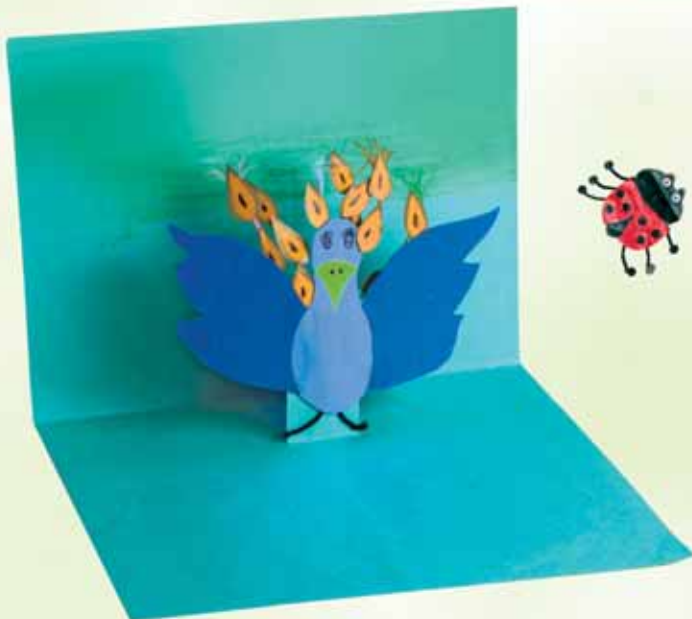
کش قیطان برای شاخک، دست‌ها و پاهای حیوان مورد نظر تان به کار می‌رود. از پانچ برای درست کردن بعضی نقطه‌ها می‌توانید استفاده کنید.

برای برجسته شدن کارت تبریک آن را از وسط تا کنید. مانند شکل دو برش کوچک وسط مقوا بزنید و قسمت وسطی را برعکس تا کنید. نمونه‌ای را که ساخته‌اید روی تای برجسته نصب کنید. سعی کنید نمونه‌هایتان با آنچه در مجله است متفاوت باشد و تصویر بهترین نمونه را برای ما ارسال کنید

۳۴

بچه‌ها

۱۳۹۳





مهدی زارعی

چوگان آبی

باید برای گل زدن و گرفتن توپ از حریف نیز تلاش کنند. به همین دلیل شنا کردن بازیکنان واتریلو با شنای شرکت کنندگان در مسابقات شنا متفاوت است. آنها با کمک گرفتن از پاهایشان، خود را روی آب نگه می‌دارند.

بازیکنان

هر تیم از هفت بازیکن اصلی و شش بازیکن ذخیره تشکیل شده است. یک بازیکن درون دروازه می‌ایستد و سایر بازیکنان، مانند بازیکنان بسیاری از رشته‌های تیمی، می‌توانند در تمامی پُست‌ها بازی کنند؛ یعنی هم در کار حمله و هم در کار دفاع شرکت داشته باشند. بازیکنان هر تیم کلاه‌هایی هم‌رنگ (آبی یا سفید) بر سر می‌گذارند که آنها را از تیم مقابل مشخص می‌کند. رنگ کلاه دروازه‌بان قرمز است و با کلاه سایر بازیکنان تفاوت دارد. به طور میانگین، هر بازیکن واتریلو در طول مسابقه پنج کیلومتر شنا می‌کند.

زمان

در واتریلو هم فقط زمان فعال را محاسبه می‌کنند و هنگام اوت شدن توپ یا فرمان توقف بازی به دستور داور، زمان بازی متوقف می‌شود. هر بازی واتریلو از دو نیمه و هر نیمه از

این ترتیب برای نخستین بار در باشگاه آرلینگتون مسابقه در آب برگزار شد.

واتریلو به شکل امروزی: اولین مسابقات واتریلو با مسابقات امروزی کاملاً متفاوت بود. در آن مسابقه‌ها بازیکن‌ها می‌توانستند در آب یکدیگر را با دست بگیرند و با استفاده از قدرت بدنی خود، توپ را از دست بازیکن حریف بیرون بکشند. دروازه‌بان نیز بیرون استخر از دروازه خود محافظت می‌کرد. در آن زمان، بسیاری این ورزش را «راگی آبی» نامیدند، اما سرانجام نام «واتریلو» برای آن انتخاب شد. در اواخر قرن نوزدهم، «ویلیام ویلسون» بسیاری از قوانین امروزی واتریلو را تهیه کرد. این رشته از ۱۱۲ سال قبل وارد المپیک شد.

مهارت‌های اولیه: بازیکن واتریلو باید توانایی زیادی برای شنا کردن در طول استخر داشته باشد؛ زیرا در طول مسابقه باید بارها و بارها برای دفاع به سمت دروازه خود و در هنگام مالکیت توپ، به سمت دروازه حریف شنا کند. سر بازیکنان باید همواره بیرون از آب باشد. آنها باید با یک دست توپ را بگیرند و پرتاب کنند. با توجه به اینکه اغلب انرژی یک شناگر صرف شنا می‌شود، ولی بازیکنان واتریلو علاوه بر شنا،

تنها ورزش

تیمی که در

آب با توپ برگزار

می‌شود، واتریلو است.

مثل بسیاری از ورزش‌های تیمی

با توپ، هدف دو تیم واتریلو وارد کردن

توپ به دروازه تیم رقیب است. نام این

ورزش که از دو قسمت واتر(آب) و

پلو(چوگان) تشکیل شده است، اطلاعات

کاملی از آن ارائه می‌دهد. چوگان از

قدیمی‌ترین رشته‌های ورزشی تیمی

است که با توپ انجام می‌شده و کلمه

آب نیز نشان‌دهنده محل برگزاری این

بازی تیمی است.

شکل‌گیری

از اواسط قرن نوزدهم با گسترش

مسابقات شنا در بریتانیا، استخرهای

فراوانی در این کشور ساخته شد. یکی

از این استخرها در گلاسکو (اسکاتلند)

ساخته شد و از سال ۱۸۷۰، باشگاهی

به نام «باشگاه استخر آرلینگتون» در

این محل شروع به فعالیت کرد. در آن

دوران مردم بریتانیا به ورزش‌های تیمی

مختلفی مثل فوتبال و راگی علاقه‌مند

بودند. محبوبیت این ورزش‌ها سبب شد

حتی شناگران هم تصمیم بگیرند با توپ

و درون آب با هم مسابقه بدهند! به



شروع مسابقه

توپ در مرکز استخر قرار می‌گیرد و بازیکنان باید برای گرفتن آن به سمت مرکز استخر شنا کنند.

دروازه

مستطیلی است به طول سه متر و ارتفاع ۰/۹ متر به رنگ سفید از پلاستیک یا فلز.

واترپلو در ایران

اولین باری که مردم به مسابقات واترپلو در ایران علاقه نشان دادند، زمان برگزاری بازی‌های آسیایی تهران - ۱۳۵۳ - بود. بازیکنان تیم واترپلوی ایران اغلب شناگر بودند و از ابتدای دهه پنجاه به این رشته روی آورده بودند. در سال ۱۳۵۳ تیم ایران بدون حتی یک شکست، قهرمان آسیا شد و به عنوان قهرمان آسیا در المپیک مونترآل (۱۳۵۴) شرکت کرد. واترپلو پس از بسکتبال و فوتبال، سومین رشته تیمی ایران بود که افتخار حضور در المپیک را به دست آورد. از افتخارات واترپلوی ایران در سال‌های اخیر می‌توان به حضور در مسابقات جهانی ۱۳۷۶ و قهرمانی تیم ملی جوانان ایران در آسیا (۱۳۹۰) اشاره کرد.

می‌یابد. ابعاد محل مسابقه دختران ۱۷×۲۵ است. در استخر واترپلو چند خط ممتد وجود دارد که هر خط بیانگر یک قانون است.

خط قرمز: بازیکن حریف هنگام تصاحب توپ، نمی‌تواند از این خط جلوتر برود و به دروازه حریف نزدیک‌تر شود. فاصله این خط تا دروازه دو متر است.

خط زرد: در فاصله چهار متری دروازه قرار دارد. در صورت بروز خطای پنالتی، بازیکن زننده پنالتی از این فاصله توپ را به سمت دروازه پرتاب می‌کند.

خط سفید: خط نیمه استخر با رنگ سفید نشان داده می‌شود.

خط سبز: این خط در فاصله هفت متری از هر دروازه است و از پشت آن، می‌توان ضربات خطا را به صورت یک‌ضرب وارد دروازه کرد.

توپ

توپ واترپلو از لاستیک عایق ساخته می‌شود تا در اثر افتادن در آب، سنگین نشود. وزن آن ۴۵۰ - ۴۰۰ گرم، قطر آن ۷۱ - ۶۸ سانتی‌متر، و رنگ آن زرد است.

دو کوارتر تشکیل شده است. زمان هر کوارتر در بخش مردان هشت دقیقه و در بخش زنان هفت دقیقه است. در بین دو نیمه، پنج دقیقه زمان استراحت وجود دارد. بین هر دو کوارتر یک نیمه بازیکنان می‌توانند دو دقیقه استراحت کنند.

وقت اضافی

در مسابقاتی که حتماً یک تیم باید پیروز میدان باشد، پس از تساوی دو تیم، یک وقت اضافی سه دقیقه‌ای در نظر گرفته می‌شود. تساوی دو تیم در این زمان، کار را به وقت اضافی بعدی می‌کشاند و مسابقه تا زمانی که یک تیم در پایان وقت اضافی از حریف پیش افتد، ادامه می‌یابد.

محل مسابقه

محل مسابقه در استخر واترپلو سی متر طول و بیست متر عرض دارد، اما در مسابقات رده‌های سنی پایین‌تر، طول و عرض استخر کمتر می‌شود. کوچک‌ترین ابعاد استاندارد محل مسابقه، بیست متر طول و ده متر عرض است. عمق آب نیز دو متر است که برای سنین پایین‌تر تا ۱/۸ متر کاهش

به طور میانگین هر بازیکن واترپلو در طول مسابقه پنج کیلومتر شنا می‌کند

عطار ظریف



علیرضابیش

۳۶

نویسنده: علیرضابیش
تصویرگر: حمیدبرزویی



ظالم خودبین

از «بایزید» پرسیدند: «پیر تو، که بود؟»

گفت: «پیرزنی. یک روز، در جوشش شوق و توحید، به صحرا رفتم. پیرزنی با کیسه‌ای آرد رسید. مرا گفت این کیسه آرد برای من بیاور.»

من، چنان بودم که خود را نیز نمی‌توانستم برد. به شیری اشاره کردم؛ آمد. کیسه بر پشت او گذاشتم و پیرزن را گفتم: «اگر به شهر روی، گویی که را دیدم؟»

گفت: «که را دیدم؟ ظالمی رعنا را دیدم!»

گفتم: «هان، چه می‌گویی پیرزن!؟»

گفت: «این شیر مکلف است یا نه؟»

گفتم: «نه.»

گفت: «تو، آن را که خدای تکلیف نکرده است، تکلیف کردی.

ظالم نباشی؟»

گفتم: «باشم.»

گفت: «با این همه، می‌خواهی که اهل شهر بدانند تو را فرمان‌بردار است و تو، صاحب کراماتی. این، خودبینی نیست؟»



شیخ فریدالدین عطار نیشابوری واقعا عطار بود و گیاهان دارویی تهیه می‌کرد، در کنار کار عطاری به شعر و ادبیات و عرفان هم می‌پرداخت. عطار کتابی دارد به نام «تذکره الاولیاء» که از اولین کتاب‌هایی است که در شرح احوال عارفان به فارسی نوشته شده است. شیخ فریدالدین در این کتاب حکایت‌های ظریف و با نمکی از عارفان و شوخی‌های بین آنها روایت کرده است که این حکایت‌ها علاوه بر اینکه ما را با نکات عرفانی و الهی آشنا می‌کند، روح ما را هم شاد می‌کند.

غلام

عبدالله به زمستانی سرد، در بازار نیشابور می‌رفت. غلامی دید با پیراهن تنها، که از سرما می‌لرزید، گفت: «چرا به خواجهات نمی‌گویی که از برای تو جبه‌ای بسازد؟»
گفت: «چه گویم! او خود می‌داند و می‌بیند.»
عبدالله را وقت، خوش شد. گفت: «طریقت از این غلام آموزد!»

شرم

عبدالله، مبارک روزی در بیابان بر شستری نشسته بود و می‌رفت. به درویشی رسید. گفت: «ای درویش، ما توانگرانیم. ما را خوانده‌اند، شما کجا می‌روید که طفیلید؟» درویش گفت: «میزبان چون کریم بود، طفیلی را بهتر دارد. اگر شما را به خانه خود خواند، ما را به خود خواند.»
عبدالله گفت: «از ما توانگران وام خواست.»
درویش گفت: «اگر از شما وام خواست، برای ما خواست.»
عبدالله شرم کرد.

دل صاف

یکی، شیخ را گفت: دل، صاف کن تا با تو سخنی گویم!»
شیخ گفت: «سی سال است که از حق، صاف دلی می‌خواهم و هنوز نیافته‌ام؛ به یک ساعت از برای تو، دل صافی از کجا آرم؟»



سازه‌ها

نویسنده: نوید اصلانی

چاپ اول: ۱۳۸۹

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۱۵۵۴۵

جرثقیل‌های بزرگ، برج‌های بلند، پل‌ها، چرخ‌فلک و ... هدف از ساخت سازه چیست؟

بخش‌های اصلی سازه، روش ساخت سازه چرخ‌وفلک، روش ساخت میز کوچک و کابل‌ها و طناب‌ها عنوان‌های برخی مطالب کتاب هستند.



اسم من آلبرت اینشتین است

نویسنده: لوئیس کاکوتا

مترجم: مرجان مشاری

چاپ اول: ۱۳۸۸

ناشر: تیمورزاده-طیب

قیمت: ۳۴۵۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۹۱۵۱۵

این کتاب ما را با سرگذشت اینشتین آشنا می‌کند. در کتاب از زبان این دانشمند آمده است: «همیشه مصمم و با انگیزه کار می‌کردم و اشتیاق و علاقه زیادی به دانستن داشتم.»



فرفره‌های سنتی ایران

طراح و اجرا: عبدالرضا جلالی

چاپ اول: ۱۳۸۹

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۱۵۵۴۵

این کتاب درباره قدیمی‌ترین اسباب‌بازی بچه‌هاست که به آن «فرفره» می‌گویند. فرفره انواع متفاوتی دارد. این کتاب ساخت انواع فرفره‌های سنتی ایران را آموزش می‌دهد. با دقت در تصاویر آموزشی کتاب می‌توانید به راحتی فرفره دلخواهتان را بسازید.



دانشتهای زمین

نویسنده: دینازایک

مترجم: حمیده محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۰

ناشر: نشر جوان امروز

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب سرشار از آزمایش‌هایی شادی‌بخش و سرگرم‌کننده است که مسائلی را درباره سیاره زمین، ترکیبات، جو و زندگی روی زمین بازگو می‌کند.



نرمش ذهن



محمد عزیزی پور

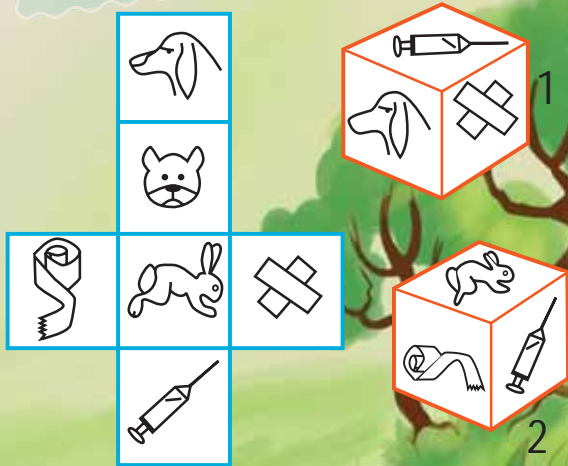
۱. عبارات زیر را بخوانید:
HMBAA'BR

۲. معمای گوناگون

الف) آن چیست که هر چه سیاهتر باشد، تمیزتر است؟
ب) آن چیست که مال ماست، ولی اغلب دیگران از آن استفاده می کنند؟
پ) واحد اندازه گیری است، اگر برعکسش کنی جانوری خطرناک می شود.

۳. چه تغییراتی در اعداد زیر به عمل آوریم تا ۵ عدد سمت چپ مساوی ۲۰ گردد.
۴ ۷ ۸ ۵ ۱۱ ۲۰

۴. از چهار مکعب زیر، کدام را باز کرده ایم که شکل زیر نمایان شده است؟



۵. مسابقه حضور ذهن - مدت پاسخ گویی سه دقیقه پاسخ تمامی سؤالهای زیر با حرف (ت) شروع می شود.

- ۱) نام دیگر سوره اخلاص
- ۲) سرود و نغمه
- ۳) مرکز آذربایجان شرقی
- ۴) درخت انگور
- ۵) از وسایل نقلیه عمومی
- ۶) از کشورهای فارسی زبان
- ۷) سرگذشت پیشینیان
- ۸) نمایش غم انگیز
- ۹) نوعی وسیله مولد برق
- ۱۰) دومین فصل سال

جدول سودوکو در هر یک از خانه های خالی یکی از اعداد ۱ تا ۶ را بنویسید طوری که در هر کدام از ردیف ها و ستون های جدول همه اعداد ۱ تا ۶ نوشته شوند و هیچ کدام از اعداد هم تکرار نشوند.

2			5		
			1	2	
4			2		
			5		
2			5		
			3		6

۱-۵×۴ = ۲۰

۲-۴ (۱) = ۲۰

۳-۴ (۱) = ۲۰

۴-۴ (۱) = ۲۰

۵-۴ (۱) = ۲۰

۶-۴ (۱) = ۲۰

۷-۴ (۱) = ۲۰

۸-۴ (۱) = ۲۰

۹-۴ (۱) = ۲۰

۱۰-۴ (۱) = ۲۰

۱۱-۴ (۱) = ۲۰

۱۲-۴ (۱) = ۲۰

۱۳-۴ (۱) = ۲۰

۱۴-۴ (۱) = ۲۰

۱۵-۴ (۱) = ۲۰

۱۶-۴ (۱) = ۲۰

۱۷-۴ (۱) = ۲۰

۱۸-۴ (۱) = ۲۰

۱۹-۴ (۱) = ۲۰

سرگی

این شیرینی خوش مزه را می توانید خیلی راحت درست کنید و تا مدت طولانی هم در یخچال نگهدارید.

گوش فیل اراکی



۲۰
نوجوان
مهرماه ۱۳۹۳

طرز تهیه

۱. تخم مرغها، ماست، بکینگ پودر و روغن مایع را در کاسه مناسبی بریزید و با هم مخلوط کنید.
۲. آرد را کم کم اضافه کنید تا مایه خمیر شود و به دست نجسید.
۳. روی خمیر را با کیسه تمیزی بپوشانید و بگذارید یک ساعت در دمای محیط استراحت کند.
۴. با کمک یک بزرگ تر خمیر را با وردنه به ضخامت نان لواش باز کنید.
۵. خمیر باز شده را به شکل دایره های ده سانتی متری برش بزنید.
۶. گوشه های خمیر را مانند تصویر جمع کنید.
۷. با کمک یک بزرگ تر روغن را در تابه بریزید و بگذارید روی اجاق تا گرم شود. سپس گوش فیل ها را در روغن بیندازید تا برشته شود.
۸. گوش فیل های برشته شده را در ظرفی بچینید و رویشان پودر قند بپاشید.

نوش جان

مواد لازم

تخم مرغ	یک عدد
ماست	دو قاشق غذاخوری
بکینگ پودر	نصف قاشق چای خوری
روغن مایع	دو قاشق غذاخوری
آرد	یک لیوان
روغن	به میزان لازم
پودر قند	دو قاشق غذاخوری

به وبلاگ مجله هم سر بزنید.
weblog.roshdmag.ir/nojavan

فیل اراکی

«فیل اراکی» یک شیرینی سنتی است که در استان آذربایجان شرقی، به ویژه در شهر ارومیه، پخته می شود. این شیرینی به دلیل طعم خاص و تردی بی نظیرش به شهرت رسیده است. مواد اصلی آن آرد، روغن مایع، تخم مرغ، ماست، بکینگ پودر و روغن مایع است. این شیرینی را می توان به راحتی در خانه تهیه کرد و به عنوان یک میان وعده یا هدیه به عزیزان خود تقدیم کرد.

این شیرینی در ماه های پرمهر و نوروز، به ویژه در مراسم عروسی و جشن های خانوادگی، بسیار پخته می شود. این شیرینی را می توان به راحتی در یخچال نگهداری کرد و به مدت طولانی به طعم و بافت خود باقی ماند.

این شیرینی را می توان به راحتی در خانه تهیه کرد و به عنوان یک میان وعده یا هدیه به عزیزان خود تقدیم کرد. این شیرینی را می توان به راحتی در یخچال نگهداری کرد و به مدت طولانی به طعم و بافت خود باقی ماند.

فیل اراکی